

- و از حضرت امام محمد باقر (ع) منقول است که جامه تازه پوشیدن دشمن را منکوب می‌کند.

- و در حدیث است که شخصی از حضرت امام جعفر صادق (ع) پرسید که در کلاه سیاه نماز بکنم؟ فرمود که لباس اهل جهنم است.

- و نیز فرمود که پوشیدن کتان بدن را فربه می‌کند.

- و در فقه رضوی از حضرت امام رضا (ع) منقول است که زیر جامه را نشسته می‌پوش، و ایستاده بیوش، که موجب زرداب می‌شود. و از حضرت امیرالمومنین (ع) نیز همین مطلب منقول است. (حلیة‌المتقین، باب اول، فصول چهارم و هفتم و هشتم و دهم و دوازدهم).

در احکام کفش پوشیدن

حضرت امام جعفر صادق (ع) فرمود که هر که نعلین زرد یا سفید بپوشد او را مال و فرزندان بهم رسد و هر که نعلین سیاه بپوشد نه تنها هیچ يك ازین دو را نیابد بلکه ذکرش نیز سست شود

و فرمود که نعل هموار پوشیدن که همه اش بر زمین رسد پوشش یهودان است

وان حضرت و حضرت امام محمد باقر (ع) هر دو فرموده‌اند که چون نعلین بپوشی ابتدا به پای راست کن و در وقت کندن ابتدا به پای چپ کن و فرمودند که هر که با یکتای کفش راه برود شیطان بر او دست یابد و دیوانه اش کند

و حضرت امیرالمومنین (ع) فرمودند که هر که خواهد عمر او دراز کند کفش نیکو بپوشد (حلیة‌المتقین باب اول فصول دهم و یازدهم و دوازدهم)

در احکام انگشتر بر انگشت کردن

- و در حدیث معتبر از بشیر دهان منقول است که به حضرت امام جعفر صادق (ع) عرض کردم کدامیک از نگین‌ها را بر انگشت خود بنشانم؟ فرمود که چرا غافلی از عقیق سرخ و عقیق زرد و عقیق سفید که اینها سه کوهند در بهشت. اما کوه عقیق سرخ، پس مشرف است بر خانه رسول خدا (ص). اما کوه

عقیق زرد، پس مشرف است به خانه حضرت فاطمه(ع). اما کوه عقیق سفید، پس مشرف است بر خانه حضرت امیرالمومنین(ع)، و همه آنها يك خانه است. و از زیر هر کوهی نهری جاری است که از برف سردتر و از غسل شیرین‌تر و از شیر سفیدتر. و نمی‌خورند از آن نهرها مگر شیعیان. و هر سه نهر از کوثر می‌آید و به یکجا می‌ریزد. و این سه کوه تسبیح و تقدیس و تمجید الهی می‌کنند.

- حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود که انگشتر عقیق در انگشت کنید که آن اول کوهی است که اقرار کرده است به یگانگی خدا و به پیغمبر من و به امامت علی.

و از حضرت امیرالمومنین(ع) منقول است که نماز کسی که انگشتر عقیق در دست داشته باشد، بر نماز کسی که انگشتر غیر عقیق در دست داشته باشد، به چهل درجه زیادتی دارد.

- از حضرت امام جعفر صادق(ع) منقول است که انگشتر را به بند پائین انگشت برسانید که انگشتر به سر انگشتان کردن عمل قوم لوط است.

و نیز از آن حضرت(ع) منقول است که حضرت جبرئیل به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله گفت هر کس از امت تو که انگشتر در دست راست کند و ببینم او را که در قیامت متحیر مانده است، دستش را بگیرم و به تو و به حضرت امیرالمومنین برسانم.

- و در روایت معتبر منقول است که شخصی را از برابر حضرت امام محمد باقر(ع) گذرانیدند که تازیانه بسیار بر او زده بودند. فرمود انگشتر عقیق او کجاست؟ اگر با او بود تازیانه نمی‌خورد. (حلیة المتقین، باب دوم، فصول اول و دوم و سوم).

در احکام ریش

- علی بن محمد از پدرش علی محمد بن اسماعیل بن موسی بن جعفر، و او از احمد بالقاسم العجلی، و او از احمد بن یحیی معروف به کرد، و او از محمد بن خداهی، و او از عبدالله بن ایوب، و او از عبدالله بن هاشم، و او از عبدالکریم بن عمرو الخثعمی، و او از حبابه الوالییه (زنی از قبیله والبه یمن)

روایت کنند که امیرالمومنین علیه السلام را در محل پیش قراولان لشکر دیدم، که با تازیانه دو سری که همراه داشت، فروشندگان ماهی جری (بی فلس) و مارماهی و ماهی زمار را می زد. و می فرمود ای فروشندگان مسخ شده های بنی اسرائیل و لشکر بنی مروان! فرات بن احنف نزد حضرت ایستاد و پرسید: یا امیرالمومنین! لشکر بنی مروان کیانند؟ فرمود: مردمی که ریش ها را می تراشیدند و سیبیلها را تاب می دادند و لاجرم به امر الهی مسخ شدند و بصورت ماهی های بی فلس و حرام گوشت در آمدند. (اصول کافی، کتاب الحجة، باب ما یفصل به بین دعوی المحق والمبطل فی امر الامامه).

- و در روایت است که چون حاکم یمن به امر کسری کاتب خود، بانویه را باتفاق مردی که او را "خرسک" می گفتند، نزد رسول صلی الله علیه و آله به مدینه فرستاد، چون آن دو ریش ها را تراشیده و شارب را گذاشته بودند، آن جناب را ناخوش آمد که بر ایشان نظر کند. (مفاتیح الجنان، و باقیات و صالحات، باب هشتم، احادیث در مذمت تراشیدن محاسن).

- از حضرت رسول (ص) منقول است که چون حقتعالی توجه حضرت آدم(ع) را قبول فرمود، آدم سر به سجده گذاشت. و چون برداشت روبه آسمان کرد و گفت پروردگارا، حسن و جمال مرا زیاده گردان. پس بعد از آن ریش بسیار سیاهی در رویش روئید، و بیشتر ریش نداشت. گفت پروردگارا، این چیست؟ به او وحی رسید که این زینت تو و زینت مردان فرزندان تست تا روز قیامت.

- حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود که بهترین تحفه ای که برای مرد روزه دار آوردند، آن است که ریشش را روغن بمانند.

- و فرمود که خضاب کردن ریش، نور است و اسلام است و ایمان است. و محبوب می گرداند مرد را نزد زنان و خوف می افکند در دل کافران.

- و فرمود که شارب را از ته بگیرید و ریش را بلند بگذارید. و خود را به یهودان و گبران شبیه مگردانید، که گبران ریش های خود را چیدند و سیلان خود را زیاد کردند. ولی ما شارب خود را می چینیم و ریش را می گذاریم.

- حضرت امیرالمومنین(ع) فرمود که هر جمعه ریش خود را اصلاح کنید، که امان می‌دهد از مرض خوره.

- و فرمود در زمان پیش گروهی بودند که ریش را می‌تراشیدند و شارب را می‌تابیدند و حقتعالی ایشان را مسخ کرد و از صورت آدمیان بیرون آورد.

- حضرت امام محمد باقر(ع) فرمود که اگر خواهید بلغم از بدنتان برود، ریش را شانه کنید.

- حضرت امام جعفر صادق(ع) فرمود که آنچه از ریش، زیاده بر يك قبضه است، در آتش است. و تاکید فرمود که دست بر ریش بگیر و آنچه از يك قبضه باشد ببر.

- و فرمود که: ریش را شانه کردن، دندانها را محکم می‌کند، و فقر را بر طرف می‌کند، و پشت را محکم می‌کند، و بلغم را قطع می‌کند، و قوت جماع را زیاد می‌کند.

- و فرمود که شانه کردن پائین ریش طاعون را از این کس دور می‌گرداند.

- و فرمود: هر که ریش خود را هفتاد نوبت شانه کند و یکی یکی را بشمارد، شیطان تا چهل روز بنزدیک او نیاید، بشرطی که ریش را از پائین بطرف بالا شانه کند.

- علی بن جعفر از حضرت امام موسی کاظم(ع) پرسید که از روی ریش می‌توان برید؟ فرمود که از دو پهلو آن بلی، ولی از پیش رو نه.

- حضرت امام رضا(ع) فرمود که در خضاب کردن ریش اجر عظیم است. و بدرستی که گروهی از زنان دست از عفت برداشتند، بدان جهت که شوهرانشان ریش خود را خضاب نمی‌کردند. (حلیة المتقین، باب دوم، فصل یازدهم، باب پنجم، فصول چهارم و پنجم و یازدهم، و باب ششم، فصل دهم).

در آداب ناخن گرفتن

- از حضرت رسول اکرم (ص) منقول است که ناخن گرفتن دردهای بزرگ را منع می‌کند و روزی را فراخ می‌کند. و نیز در روایت است که مدتی

چند وحی خداوند بر حضرت رسول اکرم (ص) نازل نشد. از سبب آن پرسیدند. خداوند فرمود: چگونه وحی باز نایستد و حال آنکه ناخن نگرفته‌ای؟

- در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر (ع) وارد شده که در ناخن گرفتن ابتدا به انگشت کوچک از دست چپ بکنید و به انگشت کوچک دست راست ختم کنید، بشرط اینکه آن روز چهارشنبه باشد. و اگر پنجشنبه باشد، ابتدا در هر دستی به انگشت کوچک آن دست کنید. و اگر در روز جمعه یا سایر روزها باشد، ابتدا به انگشت کوچک دست چپ کنید و ختم به انگشت بزرگ دست راست.

- و نیز فرمود که هر که ناخنهای خود را روز پنجشنبه بگیرد و يك ناخن را برای روز جمعه بگذارد، خدا پریشانی را از او زایل گرداند.
- و فرمود که هر که پنجشنبه ناخن بگیرد، فرزندانش بسیار شود و درد چشم نبیند.

- از حضرت امام جعفر صادق (ع) منقول است که فرمود: ناخن گرفتن در روز جمعه ایمن می‌گرداند از خوره و کوری و پیسی.
- و نیز فرمود که ناخن گرفتن و سر را با خطمی شستن در روز جمعه فقر را برطرف کند. (حلیة المتقین، باب پنجم، فصول هشتم و نهم).

در آداب واجبی کشیدن و حجامت

- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که به حمام برود و واجبی بکشد و بعد از آن از سر تا پای خود را حنا بمالد، در امان باشد از خوره و دیوانگی و پیسی و آکله، تا واجبی کشیدن بعدی.

- حضرت امیرالمومنین (ع) فرمود: احتراز کنید از واجبی کشیدن در روز چهارشنبه، که روز نحس مستمر است و و جهنم در روز چهارشنبه خلق شده است.

- و فرمود که در حمام بر پشت نخوابید.

- و فرمود که مرد با کنیزانش به حمام برود، اما لنگ بسته باشند. و مانند خران برهنه نباشند که نظر به عورت یکدیگر کنند.

- از حضرت امام جعفر صادق (ع) پرسیدند کسی که واجبی کشیده باشد، ایستاده بول می‌تواند کرد؟ فرمود که باکی نیست.
- و فرمود که چون داخل خزانه دوم حمام بشوی، جرعه‌ای از آب آن خزانه را بخور که مجرای بول را پاک می‌کند.
- و فرمود که هر کس خواهد حجامت کند، باید که در روز پنجشنبه حجامت کند. چرا که در هر غروب جمعه، خون از جای خود حرکت می‌کند از ترس قیامت، و بجای خود بر نمی‌گردد تا صبح روز پنجشنبه (!)
- و فرمود که هر که در روز جمعه سر خود را با خطمی بشوید، چنان است از ثواب که یک بنده آزاد کرده باشد.
- و فرمود: سر مه بکشید که سر مه کشیدن کمک می‌کند بر طول دادن سجده و قوت جماع را زیاد می‌کند.
- و فرمود: بر شما باد مسواک کردن، که چون مسواک کند آدمی، بلغم نازل می‌شود از چشم.
- حضرت امام موسی کاظم (ع) فرمود که هر زنی که حیضش قطع شده باشد، به حنا خضاب کند تا حیضش برگردد!
- حضرت رضا (ع) فرمود: هر که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، باید که سر مه بکشد. (حلیة المتقین، باب دوم، فصول نهم و دوازدهم، باب پنجم، فصل اول، باب هفتم، فصول دوم و سوم و یازدهم، باب نهم، فصل دوم).
- از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود: در هفتم ماه حزیران البتة حجامت بکن. و اگر میسر نشود در چهاردهم بکن. و فرمود که حزیران ماه نحسی است و این ماهی است که حضرت موسی علیه السلام در این ماه نفرین کرد بر بنی اسرائیل، و در یک شب و یک روز سیصد هزار کس از ایشان مردند (!). و نیز به سند معتبر از آن حضرت منقول است که حقتعالی اجل ها را در ماه حزیران نزدیک می‌گرداند یعنی موت در آن بسیار می‌باشد. (مفایتح الجنان، و باقیات و صالحات، باب دوم، در ادعیه و عودات آلام و اسقام).

در احکام نشستن

- علی بن ابراهیم از پدرش، و او از ابن ابی عمیر، و او از ابی حمزه ثمالی، روایت کنند که حضرت امام علی بن الحسین علیه السلام را دیدم که نشسته بود و یکی از دو پای خود را بر ران دیگر گذارده بود. عرض کردم: مردم این نوع نشستن را مجاز ندانند و گویند که این طرز نشستن پروردگار است (!) فرمود اینطور نشستم برای اینکه دلتنگ بودم. ولی پروردگار که دلتنگ نمی‌شود و چرت هم نمی‌زند.

- و در همین باره، ابو عبدالله الاشعری از معلی بن محمد، و او از وشاء، و او از حمادبن عثمان، روایت کرده است که حضرت امام صادق علیه السلام روی پای چپ نشست و پای راست را روی ران چپ گذاشت. پس مردی به او عرض کرد: قربانت، این نوع نشستن اشکالی ندارد؟ فرمود: خیر این حرف غلطی است که چون خدای عز و جل از آفریدن آسمانها و زمین فارغ شد و بر عرش استوار گردید، برای استراحت اینگونه نشست. و درباره همین سخن بود که خدای تعالی آیه الکرسی را نازل فرمود. پس حضرت صادق علیه السلام همانطور که نشسته بود باقی ماند و حرکت نکرد. (اصول کافی، کتاب العشرة، باب الجلوس).

- از حضرت امام جعفر صادق (ع) منقول است که آدم مشمار کسی را که در جای تنگ چهار زانو بنشیند. و فرمودند که رسول خدا (ص) گاهی دو زانو می‌نشستند و گاهی يك پای را بر روی پای دیگر می‌گذاشتند و هرگز چهار زانو نمی‌نشستند.

- در حدیث معتبر از ابو حمزه منقول است که دیدم حضرت امام زین العابدین (ع) نشسته بودند و يك پای را بر بالای ران دیگر گذاشته بودند. گفتم یا امام، مردم این طرز نشستن را خوب نمی‌دانند و می‌گویند که این نشستن خاص پروردگار است. حضرت فرمود که من از راه و اماندگی چنین نشسته‌ام. (حلیة المتقین، باب یازدهم، فصل سوم).

در احکام مصافحه

- حضرت امام محمد باقر (ع) فرمود که هر مومنی که با مومن دیگر مصافحه بکند و دست در گردن یکدیگر کنند، پس حقتعالی به ملائکه مباحث کند و گوید بر من لازم است که بعد از این ایشان را عذاب نکند. پس چون آن شخص برگردد، او را مشایعت کنند آنقدر ملائکه که تعداد آنها به عدد نفسهای او و قدمهای او باشد و او را حفظ کنند از جمیع بلاهای دنیا و آخرت تا روز دیگر در همان وقت.

- حضرت امام جعفر صادق (ع) فرمود که ثواب مصافحه مثل ثواب آنهایی است که در راه خدا جهاد می‌کنند (!)
- حضرت امام موسی کاظم (ع) فرمود که چون خواهید امام را ببوسید، میان دو چشمش را ببوسید. (حلیة المتقین، باب یازدهم، فصل دوم).

در احکام عطسه کردن و آروغ زدن

- علی بن احمد از پدرش، و او از ابن ابی عمیر، و او از اسماعیل البصری، و او از فضیل بن یسار، روایت کند که به حضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم: مردم در سه جا صلوات بر محمد و آل او را بد دانند، یکی هنگام عطسه، دیگر موقع سر بریدن حیوانات، سوم در وقت جماع. حضرت باقر علیه السلام فرمود چه شده است آنها را؟ وای بر آنها که نفاق می‌کنند! خدا لعنتشان کند!

و ابواسامه گوید: حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس که صدای عطسه‌ای را بشنود و خدای عزوجل را حمد گوید و بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و خاندانش صلوات بفرستد، پس درد چشم و درد دندان نبیند. سپس فرمود اگر صدای عطسه کسی را شنیدی، صلوات بگو، اگر چه میان تو و آن کس دریا فاصله باشد!

و ابوبکر حضر گوید: از حضرت امام صادق علیه السلام پرسیدم از گفتار خدای عزوجل در قرآن که "ناخوش‌ترین آوازه‌ها بانگ خران است". فرمود: نه، عطسه قبیح و ناهموار است!

و محمد بن یحیی از احمد بن محمد، و او از قاسم بن یحیی، و او از جدش حسن بن راشد، روایت کند که حضرت امام ابی عبدالله جعفر صادق علیه السلام فرمود: هر که عطسه زند، سپس دستش را بر استخوان تیغه بینی نهد و بگوید: "الحمد لله رب العالمین حمدا کثیرا"... از سوراخ چپ بینی او پرنده‌ای کوچکتر از ملخ و بزرگتر از مگس بیرون آید و یکسره برود تا به زیر عرش رسد و در آنجا تا روز قیامت برای او استغفار کند.

و محمد بن یحیی از احمد بن محمد، و او از یکی از اصحاب، روایت کند که مردی از عامه گفت: من با حضرت امام صادق علیه السلام نشست و برخاست داشتم. و بخدا سوگند مجلسی بهتر از مجلس او ندیدم. و هم آن مرد گفت: روزی آن حضرت به من فرمود: می‌دانی عطسه از کجا بیرون آید؟ گفتم از بینی. فرمود: به خطا رفتی. گفتم: قربانت، پس از کجا بیرون آید؟ فرمود: از همه بدن. چنانکه منی از همه بدن بیرون آید، گرچه بظاهر از احلیل خارج شود. سپس فرمود: آیا نبینی که چون انسان عطسه زند همه اعضاء بدنش تکان خورد؟ و بدرستیکه هر که عطسه می‌زند، هفت روز از مرگ در امان است. (اصول کافی، کتاب العشره، باب العطاس و التسمیت).

- در حدیث معتبر از حضرت رسول اکرم (ص) منقول است که کسیکه آروق زند، سر به جانب آسمان بلند نکند. و فرمود که آروق نعمت خدا است و بعد از آن حمد الهی بکنید.

- از حضرت امیرالمومنین (ع) منقول است که هر که بعد از عطسه حمد خدا را بگوید درد چشم و درد دندان نیابد.

- حضرت امام محمد باقر (ع) فرمود که هر که در بیت‌الخلاء عطسه کند، باید که حمد الهی را در خاطر خود بگذراند.

- حضرت امام جعفر صادق (ع) فرمود که بسیار عطسه کردن ایمن می‌گرداند از پنج درد: خوره، لقوه، نزول آب در چشم، صلابت پره‌های بینی، بیرون آمدن مو در چشم.

- حضرت امام رضا (ع) فرمود که دهن دره از جانب شیطان است، و عطسه از جانب خداوند عالیمان است.

و فرمود که چون بنده‌ای شکر نعمتهای خداوند را فراموش کند، خدا امر می‌فرماید بادی را که در بدنش جولان می‌کند و از بینی او بیرون می‌آید. و پس باید که در این حال خدا را حمد کند، که تلافی شکر آن نعمتها باشد که فراموش کرده است. (حلیة‌المتقین، عین یازدهم، فصل ششم).

در باره غنا و ظن‌بور

... و غنا و خوانندگی و نوازندگی از اجل معاصی است. و در حدیث است که غنا نوحه ابلیس است بر فراق بهشت. و رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود که هر که آواز بخواند، بیاید در روز قیامت نوحه کنان مانند سگ. و فرمود نوحه و غنا افسون زنا است!

و بدانکه این زمزمه شیطان و نوحه شوم اهل خذلان و شغل ارباب شقاق و آشیانه نفاق است. و اهل بیت عصمت صلوات الله علیهم و علماء شیعه و اهل وفاق آنرا بالاجماع و الاتفاق حرام می‌دانند. چنانکه علمای متقدم و متاخر نقل کرده‌اند که به مثل زنا حرام است و حرمت آن ضروری مذهب شیعه است. و آنچه از رسول خدا صلی الله علیه و آله با قطعیت نقل است این است که در قیامت بیرون خواهد شد صاحب غنا و خوانندگی از قبرش کر و کور و گنگ چون زناکار و صورتگر. و هیچکس نیست که آواز بخواند مگر آنکه خدایتعالی دو شیطان فرستد که بر دوش اوسوار شوند و بیاشنه پاهای خود و به سینه و پشت او زنند. و فرمود که هر که يك در هم به صاحب ساز و آلت غنا دهد، نزد خدا معصیت او شدیدتر است از زنا با مادر خود هفتاد بار. (مجمع المعارف و مخزن العوارف، عین نهم، نهم، در حرمت غنا و خوانندگی).

- و نیز در حدیث موثق آمده است که شخصی از حضرت امام صادق علیه‌السلام پرسید که من گاهی در خلا نشستن را طول می‌دهم برای شنیدن آواز و ساز همسایه‌ام. حضرت که این را شنید بنهایت وحشت و اهتمام افتاد و بحدی نهی فرمود که سوال کننده مضطرب شد و گفت عمدا برای آن به خلا نمی‌رفتم بلکه بگو شمش می‌رسید. فرمود والله مگر نشنیده‌ای قول خدا را که گوش و چشم و دل از همه سؤال کرده خواهد شد، گفت بلی، والله توبه و استغفار کردم. فرمود

برخیز و غسل کن و نماز بگذار. به تحقیق که در گناه بزرگی بودی و اگر در آن حال در بیت‌الخلاء می‌مردی، طلب آمرزش از خدا نمی‌توانستی کرد! (از همان کتاب).

- حضرت امیرالمومنین (ع) فرمود که کیوتر در خوانندگی که می‌کند نفرین می‌کند بر آنها که ساز می‌زنند و عود و نی می‌نوازند. (حلیة‌المتقین، باب خاتمه).

- رسول‌الله صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند مرا فرستاد تا برای جهانیان رحمت باشم، آلات موسیقی را نابود کنم و بتها را بشکنم. (مستدرک، ابواب یکتسب به، باب هفتاد و نهم).

- حضرت امیرالمومنین (ع) شنید که مردی طنبور می‌زند. پس او را منع کرد و طنبورش را شکست. و فرمود: میدانی که طنبور وقتیکه بر روی او می‌نوازی، چه می‌گوید؟ آن مرد گفت: وصی رسول خدا دانتر است. فرمود که می‌گوید: زود باشد که پشیمان شوی، ای صاحب من - و این را دو بار می‌گوید. و پس بگوید: زود باشد که به جهنم وارد شوی، از زنده من. (همان کتاب، همان باب).

امیرالمومنین علیه‌السلام فرمود: در شبی که بر طایفه‌ای از بنی‌اسرائیل عذابی وارد آمد، صبح که برخاستند چهار صنف را در میان خود نیافتند که دو طایفه از آنها یکی طبل‌زنان و دیگر آوازخوانان بودند^۱. (همان کتاب، باب هفتاد و هشتم).

- و حضرت صادق (ع) فرمود که هر که چهل روز در خانه‌اش طنبور بنوازند، حقتعالی بر او مسلط گرداند شیطانی را که او را فقندر می‌گویند. پس هیچ عضوی از اعضای او نماند، مگر آنکه شیطان بر او بنشیند. پس چون چنین

۱- در حدیث مشخص نشده که حضرت داود پیغمبر که از آواز بسیار خوش او در تورات و قرآن یاد شده، جزو این غیب‌شدگان بوده است یا خیر.

شود، حیا از او برطرف شود. و پروا نکند از آنچه گوید یا شنود. و غیرت او زائل شود تا آنکه اگر داند که زناش زنا می‌کنند، غیرت نوزد. و نیز فرمود زنهار که سنج مزن، که شیطان با تو می‌دمد و ملائکه از تو دوری می‌کنند. (حلیة المتقین، باب خاتمه).

در باره صورتگری

- در احادیث معتبره از حضرت رسول اکرم (ص) منقول است که جبرئیل گفت: ما گروه ملائکه داخل خانه‌ای نمی‌شویم که در آن سگ باشد، یا نقاشی کشیده باشند، یا ظرفی باشد که در آن بول کنند.

- و نیز به حدیث نبوی (ص) شدیدالعذاب‌ترین مردم در روز قیامت، صورتگرانند که نقش آدم و حیوان و یا مجسمه می‌سازند.

- و در چندین حدیث معتبر از حضرت امیرالمومنین (ع) منقول است که حضرت رسول (ص) مرا به مدینه فرستادند، تا در آنجا هر تصویری را که ببابم محو کنم، و قبرهای بلند را هموار کنم، و سگها را بکشم.

- حضرت امام موسی کاظم (ع) فرمود: نماز مکن در خانه‌ای که تصویری در برابرت باشد، و اگر چاره نداشتی پس سر آن تصویر را قطع کن و بعد نماز بکن.

- و نیز فرمود: مطلقاً صورت نکشند، حتی صورت درخت. چه برسد به صورت صاحب روحی که سایه داشته باشد. و اگر صورتی کشیده باشند، بهتر است که آنرا ناقص کنند، مثلاً چشمش را کور کنند یا عضوی از آنرا محو کنند.

(حلیة المتقین، باب یازدهم، فصل سوم).

در باره شعر

- و از آنچه قباحت دارد و معصیت است، هر کلامی است که شعر باشد، اگر چه منظور نباشد که مهیج شهوات نفسانی و لهو و یا هجو و هتک عرض باشد. و آیات و اخبار در مذمت اشعار بسیار است و همچنین است درباره قصص باطله.

چنانکه در حدیث معتبر از حضرت رسول اکرم (ص) منقول است که شکم کسی پر از چرک باشد، بهتر از آن است که پر از شعر باشد.

- و نیز آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود که هر که يك شعر بخواند در شب جمعه یا روز جمعه، در آن شب و در آن روز بهره‌ای از ثواب نداشته باشد. و بروایت معتبر دیگر فرمود در آن شب و در آن روز نمازش مقبول نگردد.

- و حضرت جواد(ع) از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌فرماید که عبادت ذکر حضرت علی(ع) است. و از علامات منافقان است بجای ذکر او نقل کردن قصه‌های دروغ از قبیل افسانه‌های مجوس و شاهنامه، و اختیار شنیدن آنها بر فضائل ما.

- و اما ضرورت دارد که مومن خاصا در شب جمعه ترك کند خواندن شعر را. زیرا که در حدیث صحیح از حضرت صادق(ع) منقول است که مکروه است روایت شعر برای روزهدار و در روز جمعه و در شبها، هر چند شعر حق باشد. (مفاتیح الجنان، باب دوم، فضیلت روزها و ماهها).

- محمد بن یحیی از احمد بن محمد، و او از عمر بن عبدالعزیز، و او از جمیل بن دراج، روایت کنند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: از گفتن بسم الله فروگذار مکن، حتی اگر پس از آن شعری باشد. (اصول کافی، کتاب العشره، باب النوادر).

- مکروه است خواندن شعر در مسجد، اگر نصیحت و مانند آن نباشد. و کسی که می‌خواهد به مسجد برود، مستحب است لباس قیمتی بپوشد. (آیت الله خمینی، توضیح المسائل، مسئله ۹۱۴).

در باره شطرنج و گروبندی

- حضرت صادق علیه السلام در تفسیر آیه "فاجتنبو الرجس من الاوثان" فرمود که مراد از آن شطرنج است. و تخته نرد از آن نیز بدتر است. و فرمود که نگه داشتن شطرنج و نرد کفر است و بازی با آنها شرك و تعلیم آن گناه

کبیره. و نظر کردن به نرد و شطرنج چون نظر کردن به فرج مادر است، و دست در میان آن کردن چون دست کردن در میان گوشت خوک است. و اهل آن مجلس هر ساعت مستوجب لعنت و غضب الهی. و باید که جای خود را در جهنم مهیا دانند. و نیز فرمود که جایز نیست انگشتر بازی و ریگبازی و گردوبازی و کبوتر بازی و تخمبازی. (مجمع المعارف و مخزن العوارف، عین نهم، نهر هفتم، در مذمت قمار بازی و سحر و جادو).

- حضرت صادق(ع) فرمود که نرد بدتر از شطرنج است. اما شطرنج، پس نگاه داشتن آن کفر است، و بازی کردن با آن شرک، و یاد دادنش به کسی گناه کبیره. و سلام کردن بر کسیکه شطرنج بازی کند، گناه است. و کسی که در دست میان آن گرداند، چنان است که دست در میان گوشت خوک گرداند. و کسی که نظر به سوی آن کند، چنان است که به فرج مادر خود نظر کرده باشد. و کسی که نرد بازی کند، مثل کسی است که گوشت خوک خورد. (حلیة المتقین، باب خاتمه).

- در احادیث معتبره از حضرت رسول اکرم (ص) وارد شده است که مسابقه و گروبندی جائز نیست مگر در شتر دوانی و فیل دوانی و اسب دوانی و قاطر و الاغ دوانی و در تیر اندازی. و در غیر اینها ملانکه می‌گیرند و لعنت می‌کنند کسی را که این کار می‌کند.

- و نیز از آن حضرت (ص) منقول است که هر لهُو و بازی که مومن بکند باطل است. مگر در تعلیم اسب کردن، و تیر انداختن، و با زن خود بازی کردن که اینها حق است.

- در فقه الرضا از حضرت امام رضا(ع) مذکور است که زینهار چوگان بازی مکن، که در آن حال شیطان با تو می‌تازد و فرشتگان از او نفرت می‌کنند. و اگر کسی در آن حال چهار پایش بسر در آید و او بمیرد یکسره به جهنم می‌رود.

- حضرت امیرالمومنین (ع) فرمود که چند چیز است که از اخلاق قوم لوط است: کمان گلوله انداختن، و سنگریزه انداختن به یکدیگر، و قندران (سقز) خائیدن در راهها.

- سنت است که در هنگام تیر انداختن، غرض فقط لهو نباشد. بلکه تقویت دین و ایمان و حمایت شیعیان باشد. (حلیة المتقین، باب اول، فصل دهم، و باب چهاردهم، فصل دوازدهم).

- بدرستی که ملائکه از هر نوع برد و باخت و مسابقه متنفرند و انجام‌دهندگان آنرا نفرین می‌کنند، بجز شتردوانی و اسب‌دوانی و تیراندازی. و رسول خدا (ص) با اسامه بن زید مسابقه گذاشته و اسب‌دوانی فرمودند. (وسائل الشیعه، جلد سیزدهم).

- حضرت امام صادق علیه‌السلام فرمود: وقتی که آدم وفات کرد، بمرگ او ابلیس و قابیل خوشحال شدند. و در زمین با هم اجتماع کردند و آلات طرب را ساختند. و هر چه در زمین از این گونه آلات هست که مردم از آن لذت می‌برند از آنجا پیدا شده است. (وسایل، ابواب مایکتسب به، باب صدم).

در احکام سفر

- محمد بن مسلم از حضرت صادق (ع) پرسید که به زمینی می‌روم که پر از برف و یخ است و چگونه وضو سازم؟ فرمود تیمم کن و دیگر به همچنین زمین مرو که دین تو در آنجا هلاک شود.

- و در حدیث صحیح منقول است که شخصی به حضرت امام موسی کاظم (ع) گفت می‌خواهم به سفر بروم. مرا دعا کنید. فرمود: چه روزی می‌روی؟ عرض کرد: در روز دوشنبه، از برای برکت آن روز. زیرا می‌گویید حضرت رسول خدا (ص) در آن روز متولد شده‌اند. حضرت فرمود: غلط کرده‌اند حضرت رسول خدا (ص) روز جمعه متولد شدند. و هیچ روزی شوم‌تر از روز دوشنبه نیست، که حضرت رسول (ص) در آن روز وفات کرد، و وحی آسمان در آن روز از ما منقطع شد، و در آن روز حق ما را غصب کردند. و

فرمود می‌خواهی دلالت کنم ترا به روز سهل و آسانی، که خدا در آن روز نرم کرد آهن را از برای حضرت داوود(ع)؟ گفت بلی. فرمود که آن روز، روز سه‌شنبه است.

- و در حدیث معتبر از حضرت صادق(ع) منقول است که هر که اراده سفری داشته باشد، باید که در روز شنبه سفر کند، که اگر سنگی از کوهی برگردد در روز شنبه، البته آنرا خدای تعالی بجای خود برگرداند. و در حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول خدا (ص) در روز پنج‌شنبه به سفر می‌رفتند و می‌فرمودند که این روز را خدا و رسول و ملائکه دوست دارند.

- و سفرمکن در روز سوم ماه و روز چهارم و روز پنجم و روز سیزدهم و روز شانزدهم و روز بیستم و روز بیست و چهارم و روز بیست و پنجم و روز بیست و ششم. و ظاهراً هشتم ماه و بیست و سوم ماه نیز برای سفر خوب نیست. هر که سفر کند یا زن بخواهد و ماه در عقرب باشد، خدا بدادش برسد. (حلیة‌المتقین، باب چهاردهم، فصل اول).

- در حدیث معتبر از حضرت امام رضا(ع) منقول است که حضرت رسول اکرم (ص) فرمود که هر که روز شنبه به عزم سفر از خانه بیرون رود و عمامه سفیدی بر سر داشته باشد که تحت الحنک بسته باشد، اگر برود به نزد کوهی و بخواهد آنرا از جای برکند، هر آینه چنین شود.

- در حدیث صحیح از امام موسی(ع) منقول است که هفت چیز است که اگر در برابر مسافری ظاهر شود، برای او شوم است: کلاغی که فریاد کند از جانب راست، و سگی که دمش را علم کرده باشد، و گرگی که بر دم خود نشسته باشد، و آهویی که جانب راست بیاید و بجانب چپ برود، و جغدی که فریاد کند، و زن پیر سفید موئی که از روبرو بیاید، و ماده الاغی که گوشش را بریده باشند.

- در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین(ع) منقول است که حضرت رسول (ص) فرمود هر که به سفر رود، باید با خود بردارد عصائی از چوب بادام تلخ، که حقتعالی او را ایمن گرداند از هر سبع درنده و هر دزدی و هر

صاحب زهری تا به اهل خود برگردد. و با او هفتاد و هفت ملك باشند که از
برایش استغفار کنند تا برگردد و عصا را بگذارد.

- حضرت امام موسی(ع) فرمود: من ضامنم برای کسیکه اراده سفر
داشته باشد و عمامه بر سر بندد و سرعمامه را در زیر تحت الحنك کند، که از
دزد و غرق شدن و سوختن در امان است.

در حدیث معتبر منقول است که حضرت زین العابدین(ع) چون به سفر
حج یا عمره می‌رفتند، لوز و شکر و قنوت ترش و شیرین با خود برمی‌داشتند.

- در احادیث معتبر بسیار وارد شده است که حضرت رسول (ص) به
حضرت امیرالمومنین(ع) وصیت نمود که: یا علی، هرگز تنها به سفر مرو که
کار شیطان است. و دو تا هم که بروند دو شیطانند. و سفر از سه کس کمتر
نباشد. و از جمع احادیث معلوم شده که اقل رفیقان سه نفرند و اکثرشان هفت
نفر، و کمتر و بیشتر خوب نیست.

- در حدیث معتبر منقول است از حضرت امام جعفر صادق(ع) که
حضرت لقمان پسر خود را نصیحت فرمود که: چون سفر کنی با گروهی و راه
گم کنی، اگر يك کس را ببینی خبر راه را از او بپرسید که شاید شیطان باشد که
خواهد شما را حیران کند.

- در حدیث معتبر منقول است از حضرت رسول اکرم (ص) که: بر شما
باد راه رفتن در سفر، در شب، که زمین در شب پیچیده می‌شود. و در شکم
رودخانه‌ها فرود نیائید که محل درندگان و ماران است. و چون راه را غلط رفته
باشید، همیشه بجانب راست میل کنید.

و از حضرت امیرالمومنین(ع) منقول است که اگر در سفر راه گم کنید،
فریاد کنید که "یا صالح، اغثنی!". زیرا که از برادران مومن شما در طایفه جن،
شخصی هست که نامش صالح است و جواب می‌گوید و راهنمایی می‌کند.

و حضرت امام محمد باقر(ع) فرمود که چون سفر کنید مراقب باشید که
شیاطین در میان محمل‌ها و کجاوه‌ها بدر می‌آید و شتران را رم می‌دهند، پس از
آیه‌الکرسی کوتاهی نکنید.

- در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر(ع) و امام جعفر
صادق(ع) منقول است که مکروه است به دریا سوار شدن به قصد تجارت. و از

حضرت امیرالمومنین (ع) منقول است آن کس که بدریا سوار شود بقصد تجارت و طلب روزی نیکو مکروه است. و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر (ع) منقول است که کسیکه به کشتی سوار می‌شود برای تجارت، ایمان خود را در معرض تلف قرار داده است. و در اخبار معتبره وارد شده است که حضرت رسول نهی فرمود از سوار شدن دریا در وقت هیجان آن. (حلیة المتقین، باب چهاردهم، فصول دوم، چهارم، پنجم، ششم، هشتم، نهم و دهم).

در باره حیوانات

- از حضرت امام موسی کاظم (ع) در حدیث معتبر منقول است که دوازده صنف حیوانند که از جانب خداوند مسخ شده‌اند: پس فیل، پادشاهی بود که زنا و لواطه می‌کرد. و خرس، عرب بادیه‌نشین بود که دیوئی می‌کرد. و خرگوش، زنی بود که به شوهر خویش خیانت می‌کرد و هم غسل حیض و جنابت نمی‌کرد. و شب‌پره، خرما می‌کرد. و میمون و خوک، جماعتی بودند از بنی اسرائیل که در روز شنبه ماهی شکار می‌کردند. و سوسمار و چلپا، سه گروهی دیگر بودند از بنی اسرائیل که در زمان حضرت موسی به مائده آسمانی ایمان نیاوردند و مسخ شدند. پس گروهی از ایشان به دریا رفتند و گروهی دیگر به صحرا. و عقرب مرد سخن‌چینی بود. و زنبور قصابی بود که از ترازو دزدی می‌کرد. و کرگدن مردی بود که مردم با او عمل قبیح می‌کردند. (حلیة المتقین، باب سیزدهم، فصل هشتم).

- حضرت امام حسین (ع) فرمود که هر پرنده‌ای و چهارپائی بیانی دارد. دراج می‌گوید: "الرحمن علی العرش استوی". و خروس می‌گوید: خدا را فراموش نکن. و شاهین می‌گوید: "سبحان الله حقا حقا". و کلاغ می‌گوید: ای روزی‌دهنده بفرست مرا روزی حلال. و اردک می‌گوید: ای خداوند، من گناهکار را ببخش و بیامرز. و بلبل می‌گوید: "لا اله الا الله حقا حقا". و فاخته می‌گوید: "یا واحد یا احد یا فرد یا صمد". و سبزه‌قبا می‌گوید: مولای من، مرا آزاد کن از آتش جهنم. و پرستو ک سوره حمد می‌خواند. و بزغاله می‌گوید که: خدایا، مرگ چه زود به من رسید، در حالیکه گناهام سنگین و بسیار است (!). و یوز می‌گوید که: "یا عزیز یا جبار یا منکبر یا الله". و شتر می‌گوید که: منزه

است پروردگار. و شغال می‌گوید: و او ایلا بر گناهکاری که در گناه خود مصرّ باشد! و سگ می‌گوید: بس است معصیت بدرگاه خدا. و خرگوش می‌گوید: هلاک نکن مرا ای خدا تا حمد تو گویم. و روباه می‌گوید: دنیا دار فریب است. و کرگدن می‌گوید: بفریادم برس که هلاک می‌شوم. و عقرب می‌گوید که: بدی چیز بدی است. و بدرستی که همه خلائق این طور تسبیح می‌گویند. (حلیة المتقین، باب دوازدهم، فصل نهم)

- در حدیث معتبر از حضرت امیرالمومنین (ع) منقول است که یکی از ملائک حامل عرش بصورت گاو است. پس گاو، سید حیوانات است. و چون بنی اسرائیل گوساله پرستیدند، آن ملکی که بصورت گاو است از شرم سر به زیر افکند و بان سبب هر گاوی چنین شده است که از شرم نگاه بجانب آسمان نمی‌کند.

- از حضرت صادق (ع) روایت است که چون نمرود آتش برای سوزانیدن حضرت ابراهیم علیه‌السلام افروخت، جانوران از خدا رخصت طلبیدند که آب بر آتش بریزند. حقتعالی هیچیک را رخصت نداد، بغیر از وزغ را. پس دو ثلث آن از آتش سوخت و یک ثلث آن باقی ماند. و صره که مرغی است که سر بزرگی دارد و گنجشک را شکار می‌کند، راهنمای حضرت آدم علیه‌السلام بود از بلاد سرانندیب تا بلاد جدّه، به مدت یک ماه.

و اما پرستوك، گردیدن آن در هوا برای تأسف و اندوهی است که بر مظلومیت اهل بیت رسالت پناه دارد و تسبیحش خواندن سوره حمد است و در آخر خواندگی می‌گوید: "ولا الضالین".

- در حدیث از حضرت صادق (ع) منقول است که از وقتی که جناب امام حسین (ع) را شهید کردند، جغد در روزها پیدا نمی‌شود، و در شب ظاهر می‌شود، و پیوسته روزها روزه می‌گیرد، و چون شب می‌شود افطار می‌کند، و پیوسته ناله و گریه می‌کند بر جناب امام حسین (ع)، تا صبح. (حلیة المتقین، باب دوازدهم، فصول هشتم و نهم).

می‌خواهم فرزندی بهم رسد که خدا یاد کند. پس ماده راضی شد. چون نزدیک شد که جوجه را بیرون بیاورد. ناگهان دیدند که حضرت سلیمان (ع) با لشکرش می‌آیند و مرغان بر سرش سایه کرده‌اند. پس ماده ملخی برای جوجه خود پنهان کرده بود و نر خرمائی پنهان کرده بود. آن دو را بنزد حضرت سلیمان آوردند و او هدیه ایشان را قبول نمود و لشکر خود را از جانب تخم ایشان بجانب دیگر روانه گردانید، و دست بر ایشان مالید پس به این سبب آن کاکل بر سر ایشان بهم رسید.

- حضرت امام رضا (ع) فرمود که باکی نیست شب مرغان را از آشیان‌ها گرفتن.

- و در حدیث است که طاووس یمانی به خدمت حضرت امام جعفر صادق (ع) آمد. حضرت از او پرسید که توئی طاووس؟ گفت بلی. حضرت فرمود که طاووس مرغ شومی است که به ساحت هر گروهی داخل شود، ایشان را آواره می‌کند.

- و از حضرت امام رضا (ع) در حدیثی معتبر منقول است که جغد در زمان سابق در خانه‌ها جا می‌کرد و در وقت طعام خوردن نزدیک سفره می‌آمد و طعام بنزدش می‌ریختند و می‌خورد. چون حضرت امام حسین (ع) را شهید کردند، از آبادانی بیرون رفت و در خرابه‌ها و کوه‌ها و صحراها جا گرفت. و گفت: بد امتی هستی شما که فرزند پیغمبر خود را می‌کشید و من ایمن نیستم از شما که مرا هم بکشید.

- حضرت یعقوب علیه‌السلام با فرزند خود گفت: زنا مکن، که مرغی که زنا می‌کند (!) پرهايش می‌ریزد.

از حضرت رسول (ص) منقول است که حیوانات بسیار در خانه نگاه دارید که شیاطین به آنها مشغول شوند و طفلان شما را ضرر نرسانند.

- از حضرت امام محمد باقر (ع) منقول است که خوب است حیوانات در خانه نگاه داشتن مثل کبوتر و مرغ و بزغاله. تا آنکه اطفال جنیان با ایشان بازی کنند و با اطفال شما بازی نکنند.

- از حضرت صادق (ع) منقول است که کبوتر از مرغان پیغمبرانست، و هر خانه‌ای که در آن کبوتر باشد، آفتی از جن به اهل خانه نمی‌رسد. زیرا که

بی‌خردان اجنه با هم بازی می‌کنند در آن خانه، و متوجه آدمی نمی‌شوند. و فرمود که کبوتر دعا کرده حضرت نوع علیه‌السلام است.

- از داود بن فرقد منقول است که گفت: در خانه حضرت صادق (ع) کبوتر راعبی دیدم که بسیار می‌خواند. حضرت فرمود: می‌دانی این کبوتر چه می‌گوید؟ گفتم نه. فرمود که نفرین می‌کند بر قاتلان جناب امام حسین (ع).

- حضرت صادق (ع) فرمود که جناب امیرالمومنین (ع) چاهی کنده بودند. خبر دادند به آن جناب که جنیان سنگ در آن چاه می‌اندازند. حضرت آمدند و بر سر آن چاه فرمودند: ای قوم جن، دست از این عمل بردارید وگرنه کبوتر در این چاه جا می‌دهم.

- حضرت صادق (ع) فرمود که پرستو مرغ ما است. زیرا از اندوه بر مظلومیت اهل بیت رسالت در هوا می‌گردد و سوره الحمد می‌خواند. و بدرستیکه در آخر هر خوانندگی می‌گوید "والضالین". (همان کتاب، باب دوازدهم، فصول ششم و هشتم، باب سیزدهم، فصل هشتم).

- حضرت رسول اکرم (ص) فرمود که: سه کس بر يك چهارپا ردیف نشوند که یکی از ایشان ملعون است، و اقرب آن کس است که پیش نشسته است. و نیز منقول است که دیدند شتری را که بار بر پشتش است و پایش بسته است. فرمودند که صاحب این شتر را بگوئید که مراقب خود باشد در روز قیامت، که این شتر با او خصومت خواهد کرد. و فرمودند که: اگر آب بر چهارپا عرضه کنید و او نخورد، بر رویش چیزی نزنید. زیرا که تسبیح پروردگار خود می‌گوید.

- حضرت رسول اکرم (ص) فرمود که بر کوهان هر شتری شیطنی نشسته است. پس آنرا نرم کنید با بسم الله گفتن در وقت سوار شدن. و فرمود که: هر شتری که هفت مرتبه آنرا به حج ببرند و در موقف عرفات حاضر شود، البته حقتعالی او را از چهارپایان بهشت گرداند. و در حدیثی پنج مرتبه و در حدیثی هم سه مرتبه وارد شده است.

و نیز آن حضرت (ص) به حضرت امیرالمومنین (ع) فرمود که زینهار سوار مشو بر میثره سرخ، که آن از چیزهائی است که شیطان بر آن سوار می‌شود. و میثره بالمش زین است که بر روی جهاز شتر می‌گذارند.

و نیز از حضرت (ص) منقول است که چون کسی در وقت سوار شدن، بسم الله نگوید، شیطان ردیف او می‌شود و به او می‌گوید خوانندگی بکن. و اگر نتواند خوانندگی بکند، باو می‌گوید که آرزوهای محال بکن، پس او پیوسته در آرزو است تا پائین آید.

و نیز فرمود که: از میان قطار شتر بدر نروید، زیرا که هیچ قطار شتری نیست مگر آنکه میان هر دو شتر آن يك شیطان هست.

و فرمود که میمنت اسب، در سرخ و سیاه و پیشانی سفید است که سه دست و پایش سفید باشد و دست راستش سفیدی نداشته باشد. (حلیة المتقین، باب سیزدهم، و فصول دوم و سوم و چهارم).

- حضرت امام محمد باقر (ع) فرمود که بهترین چهارپایان نزد من الاغ است.

- حضرت امام جعفر صادق (ع) فرمود که هرگاه چهارپائی در زیر کسی به زمین بخورد و صاحبش از روی غضب باو بگوید: "تعست" یعنی هلاک شوی، چهارپا نیز بدو بگوید: "تعس اعاصنا للرب" یعنی هلاک شود از ما دو تا هر کدام که نافرمانی پروردگار خود بیشتر کرده است.

- و به دو سند معتبر از آن حضرت (ع) و از حضرت امام موسی کاظم (ع) منقول است که هر چهارپائی که صاحبش خواهد بر او سوار شود، بگوید: "اللهم اجعله لی رحیما" یعنی خداوندا او را به من مهربان گردان.

- و فرمود که: آیا شرم نمی‌کنید که شما بر روی چهارپای خود خوانندگی می‌کنید و او در زیر شما تسبیح پروردگار خود را می‌گوید؟

- و فرمود: شتران سیاه به صورت بخرید که عمرشان زیاد است. و شتران سرخ مو نخرید که عمرشان کوتاهتر است.

- حضرت امام موسی کاظم (ع) فرمود: هر که نگاه دارد اسب سرخ موئی را که در پیشانی سفیدی بوده باشد (و بهتر است نزد من که سفیدی

پیشانی او تا بینی آمده باشد و چهار دست و پایش نیز سفید باشد)، پس خانه‌ای که چنین اسب در آن باشد، فقر و پریشانی داخل آن خانه نشود.

- و فرمود که: در چهارپایان بودن یکرنگ کراهت دارد مگر الاغ و قاطر. و نشانهای سفید در الاغ و قاطر کراهت دارد مگر آنکه در قاطر تا بینی کشیده شده باشد، و تازه آنها تعریفی ندارد.

- و فرمود که: تند راه رفتن سواره یا پیاده برای مومن قباحت دارد.

- و فرمود: در بینی هر چهارپائی شیطانی هست. پس چون خواهید آنرا لجام کنید، بسم الله بگوئید.

- و فرمود هر که اسبی بخرد و نگاه دارد در انتظار خروج ما اهل بیت، حقتعالی روزی او را برساند و آرزوهایش را برآورد. (همان کتاب، باب سیزدهم، فصول اول و سوم و چهارم و هشتم).

در باره اطعمه و اشربه

- بدانکه جو خوردن از شعار پیامبران است، و در حدیث است که در هیچ شکمی قرار نگیرد، الا هر مرضی که در آن باشد بیرون کند. و جو قوت پیغمبران است.

و در حدیث است که گوشت سید طعامها است در دنیا و آخرت. و حضرت رسالت پناه (ص) گوشت سر دست را دوست تر می‌داشتند. و گوشت قالیچه بدترین گوشتهاست چه به محل بول نزدیکتر است و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که گوشت جباری بواسیر و درد پشت را نافع است و قوت جماع می‌دهد. و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که گوشت گاو با برگ چغندر خوردن برص را برطرف می‌سازد. و سرکه طعام انبیاست و شهوت زنان را برطرف می‌سازد. و زیتون بادها را می‌شکند. و عسل جهت آب پشت نافع است. و شیر گوسفند سیاه نافع‌تر است از گوسفند سرخ. و شیر گاو سرخ بهتر است از شیر گاو سیاه. و خود بریان کرده را هفتاد پیغمبر دعا کرده‌اند. و انجیر شبیه‌ترین میوه‌هاست به میوه‌های بهشت. و انار سید میوه‌هاست و در هر اناری دانه‌ای از بهشت است. و بر هر ورق کاسنی، قطره‌ای از آب بهشت است و قوه مجامعت را زیاد می‌کند. و برنج

بهترین چیزهاست برای قطع بواسیر. و باقلا را اگر با پوست بخورند دباغت معده می‌کند. و لوبیا بادها را از شکم می‌رانند. و کدو باعث زیادتی مغز و دماغ می‌شود. و سیب نافع است جهت زهر و سحر و دیوانگی. و سنجد بواسیر را زایل می‌سازد و تقطیر بول را نافع است. و کندر قطع بواسیر می‌کند. و امان از جذام، و چغندر شفای مرضها است و شلغم جذام را می‌برد و پیاز قوه باه می‌دهد. (جامع عباسی، باب پانزدهم، منافع طعامها و میوه‌ها).

- در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق (ع) منقول است که از ایشان پرسیدند: آیا به حضرت عیسی علیه‌السلام می‌رسید در دهائی که به سایر فرزندان آدم می‌رسید؟ فرمود که بلی. در طفولیت بیماریهای مردم بزرگ به او می‌رسید و درد مقعد از دردهای بزرگان است. وقتی که این درد او را عارض می‌شد، به مادرش می‌گفت که غسل و سیاهدانه و روغن زیتون را به یکدیگر خمیر کن و از برای من بیاور. ولی چون می‌آورد کراحت داشت از خوردن آن. و می‌گفت که به علم پیغمبری این معجون را طلب کردم، اما از بدمزگی آن کراحت دارم.

- و نیز حضرت صادق (ع) فرمود: بخورید انجدان رومی را، که درد مقعد را زائل می‌کند.

- و فرمود که برای معالجه زکام پنبه‌ای را به روغن بنفشه آلوده کنید و در وقت خواب بر مقعد گذارید.

- و منقول است شخصی به آن حضرت (ع) شکایت کرد که از بسیار آمدن بول آزار می‌گشتم. فرمود که در آخر شب سیاهدانه بخور. و فرمود که من خودم همین گرفتاری را دارم و سیاهدانه می‌خورم که برای تب و درد سر و آزار چشم و درد شکم و جمیع دردهای دیگر مفید است و خدا مرا به آن شفا می‌دهد.

- و فرمود که هر که سیب به ناشتا بخورد، آب منی او پاکیزه شود.

- و فرمود چهار چیز است که هر طبیعتی را به اعتدال می‌آورد: انار

سورنی و خرمای نارس پخته و بنفشه و کاسنی.

- و فرمود که: در سیاهدانه شفای همه دردها هست بغیر از مرگ.

- و فرمود که: یکی از پیغمبران به خدا شکایت کرد که امت او بسیار جبون است. وحی بر او نازل شد که امر کن امت خود را که اسفند بخورند.

- و نیز فرمود که پیغمبری شکایت کرد به خدا از کمی فرزند، و وحی به او رسید که تخم با گوشت بخور.

- و نیز فرمود که بنی اسرائیل در اول و آخر طعام سرکه می‌خوردند و ما اهل بیت نبوت در اول طعام نمک می‌خوریم.

- و در حدیث است که مفضل به خدمت آن حضرت شکایت کرد از تنگی نفس، و گفت اندکی راهی که می‌روم نفسم تنگ می‌گیرد و می‌نشیم. فرمود بول شتر بخور تا ساکن شود.

- و فرمود که: پنج میوه است که از بهشت آمده است: انار طیس و سیب شامی و به و انگور رزاقی و رطب مشان.

- و فرمود که میوه صد و بیست قسم است، و بهتر از همه انار است.

- و فرمود که در عالم بیست و یک نوع گل وجود دارد و سید آنها گل مورد است.

- و به سند صحیح منقول است که حضرت (ع) آش باقلا را که مویز در آن می‌کرده‌اند بسیار دوست می‌داشته‌اند.

- و از آن حضرت منقول است که سویق یعنی آرد بو داده به وحی الهی ساخته شده است و هفتاد درد را دوا است.

- و فرمود که هر کسی که چهل روز گوشت بخورد، کج خلق می‌شود و باید که در گوشش اذان بگوید.

- و فرمود که: روغن بنفشه سید روغنها است. و فضیلت روغن بنفشه بر سایر روغنها، مثل فضیلت ما اهل بیت است بر سایر مردم. و نیز فرمود که: ای عقبه، روغن بنفشه در زمستان گرم است و تابستان خنک است. و برای شیعیان ما نرم است و برای دشمنان ما خشک است. (حلیة المتقین، باب سوم، فصول هفتم و هشتم، باب ششم، فصول هفتم و یازدهم، باب نهم، فصول ششم و نهم و دهم و یازدهم).

- حضرت رسول اکرم (ص) فرمود بر شما باد خوردن کرفس که خوراک حضرت الیاس و یسع و یوشع بن نون علیه السلام است.
- و نیز فرمود که گروه قریش گوشت را دوست می‌دارم.
- حضرت امام حسین(ع) فرمود که اگر مردم بدانند که چه منافع در هلیله زرد است، هر آینه به وزن آن از طلا بخرند.
- حضرت امام محمد باقر(ع) فرمود که: کلید طب عرب حجامت و حقنه است، و پس قی کردن و دوا در بینی کردن، و آخر الدواء داغ کردن است.
- و فرمود که شیر يك گوسفند سیاه بهتر است از شیر ده گوسفند سرخ، و شیر يك گاو سرخ بهتر است از شیر ده گاو سیاه.
- و فرمود که از آب تلخ و آب گوگرد احتراز کنید که حضرت نوح علیه السلام در وقت طوفان آنها را طلبید، پس همه اجابت او را کردند، بغیر از آب تلخ و آب گوگرد. پس نفرین کرد هر دو را.
- و نقل فرمود که چون مرض پیسی در میان بنی اسرائیل بسیار شد، حقتعالی وحی فرمود به حضرت موسی علیه السلام که با ایشان بگو گوشت گاو با چغندر بخورند.
- حضرت امام موسی کاظم(ع) فرمود که هر کس در روز جمعه يك انار ناشتا بخورد تا چهل روز وسوسه شیطان از دلش دور شود. و اگر دو تا بخورد تا هشتاد روز، و اگر سه تا بخورد تا صد و بیست روز.
- و نیز فرمود که اگر کسی هزار درهم داشته باشد و بغیر از آن چیزی نداشته باشد، همه را شکر بخرد که در آن عجایبهاست.
- و فرمود که هیچکس نیست که رگ خوره در بدن او نباشد و چاره آن خوردن شلغم است.
- و فرمود که بول شتر نافعتر است از شیر او.
- شخصی به آن حضرت عرض کرد که ماده طاعون در بدن من ظاهر شده است. فرمود که: سیب بخور. آن شخص خورد و عافیت یافت.
- حضرت امام رضا(ع) فرمود که: بادروج از ما اهل بیت است و تره تیزك از بنی امیه است.
- و فرمود که خوردن انجیر تر و خشك بواسیر راقطع می‌کند.

- و شخصی به آن حضرت (ع) شکایت کرد از بواسیر. فرمود: سوره یاسین را با عسل بنویس و بشوی و بخور.
- و نیز شخصی بخدمت آن حضرت شکایت کرد از کمی فرزند. فرمود که: اول استغفار بکن و بعد تخم مرغ با گوشت بخور.
- و فرمود که فضیلت نان جو بر نان گندم، مانند فضیلت ما اهل بیت است بر سایر مردم دنیا. (حلیة المتقین، باب سوم، فصول هفتم و هشتم و یازدهم، باب هشتم، فصل سوم، باب نهم، فصول پنجم و هشتم و دهم).

- از حضرت امام علی النقی (ع) منقول است که شخصی به خدمت ایشان آمد و عرض کرد که در همسایگی ما شخصی را عقرب گزیده است. فرمود: از حضرت رضا علیه السلام به ما رسیده است که کسی را که مار یا عقرب گزیده باشد، سنبل و زعفران و قاقله و عاقرقرجا و خریق سفید و بذربنجم و فلفل سفید باندازه مساوی و خرفیون دو برابر هر کدام بسیار نرم بکوبند. و از حریر بیرون کنند. و به عسلی که کفش را گرفته باشند، خمیر کنند. و یک حب آنرا با آب حلثیث به او بخوراند که در ساعت شفا یابد.
- و نیز منقول است که زخمی بر بدن متوکل خلیفه بیرون آمده بود که مشرف بر هلاک بود. فتح بن خاقان وزیر متوکل، کس بنزد حضرت امام علی نقی (ع) فرستاد. چاره جست. حضرت فرمود که سرگین گوسفند را با گلاب مخلوط کنید و بر آن زخم بگذارید. پس چنین کردند و زخم گشوده شد.
- و نیز منقول است که شخصی به حضرت امام علی نقی (ع) شکایت کرد از بیبوست مزاج. فرمود که خرما را برنی را ناشتا بخور و آب بر بالایش بخور. چنان کرد فربه شد و رطوبت بر مزاجش غالب شد و باز به حضور حضرت آمد. آن بار حضرت فرمود خرما را برنی را ناشتا بخور و آب بر بالایش نخور. (حلیة المتقین، باب سوم، فصل هشتم، باب نهم، فصل یازدهم).

- حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود که بر هر یک برگ و دانه از درخت اسفند ملکی موکل است که با آن هست تا بپوسد. و ریشه اش و شاخه اش غم و سحر را برطرف می کند و در دانه اش شفای هفتاد درد است. پس

همه دردهای خود را مداوا کنید به اسفند و کندر. (مفاتیح الجنان، و باقیات صالحات، باب سوم، احادیث در عوذاً دفع شیاطین).

- در روایت معتبر از حضرت امام جعفر صادق منقول است که هر کس سه روز بیمار شود و بیماری خود را پنهان کند و از آن به کسی خبر ندهد، خداوند گوشت او را به گوشتی بهتر و خونس را به خونی بهتر و پوست او را به پوستی بهتر و موی او را به موئی بهتر تبدیل فرماید. و بدل کند به گوشت و خون و پوست و موئی که بدان گناه نکرده است. (وسائل الشیعه، جلد دوم).

در فضائل روزها و ماهها

- بدان که شب و روز جمعه را امتیاز تام است از سایر لیالی. و از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که شب جمعه و روز جمعه، بیست و چهار ساعت است. و در هر ساعت حقتعالی ششصد هزار کس را از جهنم آزاد کند و نیز در حدیث معتبر از آن حضرت مروی است که گاه که مومن دعا می‌کند برای حاجتی، حقتعالی قضای حاجت او را تاخیر می‌کند تا اینکه روز جمعه برسد و حاجت او را برآورد.

و نیز از آن حضرت مروی است که چون شب جمعه می‌آید، ماهیان دریا سر از آب بیرون می‌آورند و وحشیان صحرا گردن می‌کشند و حقتعالی را ندا می‌کنند که پروردگارا ما را عذاب مکن به گناه آدمیان.

و به سند معتبر از حضرت رضا علیه‌السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که روز جمعه سید روزها است. و از حضرت امام محمد باقر علیه‌السلام منقول است که چون مرغان در روز جمعه بیکدیگر برمی‌خورند سلام می‌کنند و می‌گویند چه روز شایسته‌ای است... و حضرت صادق علیه‌السلام فرمود که هر که سه "طسین" را در شب جمعه بخواند، خداوند در آخرت صد زن از حوریان بهشت را به او تزویج نماید. و نیز فرمود که خداوند هر کس را که در شب جمعه فوت شود، از عذاب قبر حفظ فرماید.

- و بسیار نیکو است که در شب جمعه انار تناول کند، چنانکه حضرت صادق علیه السلام در هر شب جمعه انار میل می فرمودند و اگر در وقت خوابیدن بخورد، شاید بهتر باشد، چه آنکه روایت شده که هر که در وقت خوابیدن انار بخورد، ایمن خواهد بود از نفس خود تا صبح کند. و سزاوار است که هر گاه انار بخورد دستمالی در زیر آن پهن کند که دانه اش را ضبط کند و بعد از آن بخورد و در انار خود دیگری را شریک نکند. (مفاتیح الجنان، باب دوم، فصل چهارم، در فضیلت و اعمال شب و روز جمعه).

- و نیکو است که در روز جمعه سر را به خطمی بشوید که امان می بخشد از پیسی و دیوانگی. و ناخن و شارب بگیرد که روزی را زیاد می کند و از گناه پاک می کند تا جمعه دیگر و امان می بخشد از دیوانگی و خوره و پیسی. و نیکو است که در ناشتای جمعه انار بخورد. و هفت برگ کاسنی پیش از زوال جمعه بخورد. و از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام مروی است که هر که یک انار در روز جمعه ناشتا بخورد، تا چهل روز دلش را نورانی گرداند. و اگر دو انار بخورد، تا هشتاد روز و اگر سه انار بخورد، تا صد و بیست روز و سوسه شیطان را از او دور گرداند. و شیخ در مصباح فرموده فضیلت بسیار روایت شده در خوردن انار در روز جمعه و در شب آن. و باید که روز جمعه مشغول به آموزش مسائل دینی خود شود، نه آنکه صرف کند به سیر و گشت و تفرج در باغها و مزارع و مصاحبت با اراذل و بیچاران و مسخرگی و خنده های قهقهه و خواندن شعر و امثال اینها که مفاسدش زیاده از آن است که ذکر شود.

و از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله منقول است که هر گاه ببینید که روز جمعه مرد پیری تاریخ برای مردم نقل می کند، سنگریزه بر سرش بریزید.

و نیز از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت است که هر که در روز جمعه ماه رجب چهار رکعت نماز مابین ظهر و عصر بخواند، و در هر رکعتی یک حمد و هفت مرتبه آیه الكرسی و پنج مرتبه قل هو الله احد بگوید، حقتعالی عطا فرماید او را بر هر آیه ای که خوانده شهری در بهشت از یاقوت

سرخ، و بهر حرفی از این آیات قصری در بهشت از در سفید، و تزویج فرماید او را حورالعین.

- حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که بعد از نماز صبح و نماز ظهر بگوید "اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم"، نمیرد تا امام قائم را درک نماید.

- و شیخ طوسی رحمة الله علیه فرموده که ساعت استجاب دعا در روز جمعه، وقتی است که فرو رود نصف خورشید و نصف دیگرش غروب نکرده باشد. و حضرت فاطمه صلوات الله علیها در آن وقت دعا می‌کرد.

- سید بن طاووس در جمال السوع گفته که ابن بابویه رحمة الله علیه از مقربین ابی دلف روایت کرده که روزی به خدمت حضرت امام علی النقی علیه السلام رفتم. عرض کردم: ای سید من، حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که "دشمنی نکنید با روزها که آنها با شما دشمنی خواهند کرد". و من معنی آنرا نمی‌فهمم. فرمود: مراد از ایام و روزها ما اهل بیت هستیم، تا مادامی که بپا است آسمانها و زمین. و اما شنبه اسم رسول خدا است و یکشنبه اسم امیر المومنین و دوشنبه اسم حسن و حسین علیهم السلام و سه‌شنبه اسم علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد علیهم السلام و چهارشنبه اسم موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی علیه السلام و من و پنجشنبه اسم فرزند حسن است و جمعه اسم فرزند فرزندانم است که بسوی او جمع می‌شوند. اهل حق، این است معنی ایام. پس دشمنی مکنید با ما در دنیا، که دشمنی شود با شما در آخرت. پس آن حضرت به قبری که در برابر حصیر اطاقش کنده بود، اشاره فرمود و گفت اکنون دیگر وداع کن و بیرون رو که ایمن نیستیم بر تو، و می‌ترسم اذیتی بتو رسد.

- روایت کرده اسمعیل بن عبدالخالق، که بودم نزد حضرت صادق علیه السلام، که در میان آمد ذکر فضیلت روزه ماه شعبان. و حضرت فرمودند که فضیلت روزه ماه شعبان چنان است که حتی اگر مردی مرتکب خون حرام شود و پس در این روزه را بگیرد، آمرزیده شود.

- و نیز از حضرت صادق علیه السلام منقول است که کسیکه یکروز از ماه شعبان را روزه بدارد، به خدا قسم بهشت نصیب او است!

- و حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام نقل فرمود قصه آن لشکری را که رسول خدا صلی الله علیه و آله به جهاد کفار فرستاده بود. و دشمنان شب بر ایشان شییخون زدند و آن شبی تاریک و سخت ظلمانی بود. و مسلمانان در خواب بودند و کسی از ایشان بیدار نبود جز زید بن حارثه و عبدالله بن رواحه و قتاده بن نعمان و قیس بن عاصم منقری که مشغول نماز و قرآن بودند. دشمنان، مسلمانان را تیر باران کردند بواسطه تاریکی. که ناگهان از دهان این چهار نفر نورهایی ساطع شد که لشکرگاه مسلمان را روشن کرد. و سبب قوت و دلیری ایشان شد. و پس شمشیر کشیده و دشمنان را کشته و زخم‌دار و اسیر نمودند. و چون مراجعت نمودند، و برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل کردند، فرمود: این نورها به جهت اعمال این برادران شماسست در غره ماه رمضان.

- و بدرستی که خدای عزوجل چون روز اول ماه شعبان می‌شود، امر می‌کند به درهای بهشت. پس باز می‌شود و امر می‌کند درخت طوبی را. پس نزدیک می‌کند شاخه‌های خود را این دنیا... و چون روز اول شعبان می‌شود پراکنده می‌کند ابلیس لشکر خود را در اطراف زمین.

- و شیخ حماد بن عیسی از ابان بن تغلب روایت کرده که گفت حضرت صادق علیه‌السلام فرمودند که شب نیمه شعبان رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد عایشه بود. همینکه نصف شب شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله برخاست از رختخواب خود برای عبادت. پس عایشه چون بیدار شد، داخل شد بر او آنچه فرو می‌گیرد زنها را یعنی غیرت. و گمان کرد که آن حضرت رفته پیش بعضی از زنها خود. پس برخاست و پیچید بر خود شمله یعنی چادر خود را. و قسم به خدا که تار شمله او از مو و پود آن از کرکهای شتر بود. و جستجو می‌کرد رسول خدا را در حجره‌های زنهای دیگرش حجره به حجره، بناگاه نظرش افتاد بر رسول خدا صلی الله علیه و آله که در سجده بود مثل جامه‌ای که چسبیده شده بر روی زمین... پس همینکه خاست رسول خدا صلی الله علیه و آله برگردد، شتافت عایشه بسوی رختخواب خود. پس رسول خدا آمد به رختخواب او و شنید که نفس بلند می‌زد. فرمود چیست این نفس بلند، آیا ندانستی که چه شبی است امشب؟ این شب نیمه شعبان است که در آن قسمت می‌شود روزی‌ها و نوشته می‌شود اجل‌ها. و نوشته می‌شود اسامی روندگان به حج. و بدرستی که خدایتعالی

در این شب می‌آمزد از خلق خود بیشتر از عدد موهای بزهای قبیله کلب! (مفاتیح الجنان، باب دوم، فصل دوم، فضیلت و اعمال ماه شعبان).

- نیکو است که در شب اول ماه رمضان، مجامعت با حلال خود کند. این از خصوصیات این ماه است. و الا در ماههای دیگر جماع در شب اول مکروه است.

- و روایت شده که هر که در شب اول ماه رمضان غسل کند، خراش بدن به او نرسد، تا ماه رمضان آینده.

- روز عید غدیر روزی است که حضرت موسی علیه‌السلام بر ساحران غلبه کرد، و خداوند آتش را بر ابراهیم خلیل علیه‌السلام سرد و سلامت کرد، و حضرت موسی علیه‌السلام یوشع بن نون را وصی خود گردانید، و حضرت عیسی علیه‌السلام شمعون الصفا را وصی خود قرار داد، و حضرت سلیمان علیه‌السلام رعیت خود را بر استخلاف آصف بن برخیا اشهاد کرد، و جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله مابین اصحاب خود برادری افکند. (همان کتاب، باب دوم، فصل سوم، در فضیلت و اعمال ماه مبارک رمضان).

- اما شب بیست و پنجم ذی‌القعدة شب دحوالارض است. و آن شبی است که تمامی زمین از زیر خانه کعبه بر روی آب پهن شد. و روز بیست و پنجم ذی‌القعدة روز دحوالارض است.

و از حسن بن علی و شا روایت است که گفت: من کودک بودم که با پدرم در خدمت امام رضا علیه‌السلام شام خوردیم. و شب بیست و پنجم ماه ذی‌القعدة. پس فرمود که امشب حضرت ابراهیم علیه‌السلام و حضرت عیسی علیه‌السلام متولد شده‌اند، و زمین از زیر خانه کعبه پهن شده است، و در این روز حضرت قائم علیه‌السلام قیام خواهد نمود. پس هر که روزش روزه بدارد، چنان است که شصت ماه را روزه بدارد. و در روایتی روزه‌اش مثل روزه هفتاد سال است. و هر که این روز را روزه بدارد و این شب را به عبادت به سر آورد، از برای او عبادت صد سال نوشته شود، و از برای روزه‌دار این روز هرچه در میان

آسمان و زمین است، طلب مغفرت کند. (همان کتاب، باب دوم، فصل چهارم، فضیلت شب و روز دحو الارض و اعمال آن).

منتخباتی از "کیمیای سعادت"

چنانکه قبلا گفته شد (صفحات ۴۰ و ۴۱)، یکی از کرامات مکتب آخوند اینست که حتی کسانی را در حد نوابغ علم و اندیشه، وقتی که به قالب آخوند می‌روند، مسخ می‌کند و به حد يك طلبه بی‌شعور فیضیه پائین می‌آورد. نمونه بارزی ازین امر مورد امام محمد غزالی است. این شخصیت برجسته معارف اسلامی در قرن پنجم هجری که مقام علمی وی قرون بعد از او را عمیقا تحت تاثیر قرار داد و به‌مراه ابن‌سینا و رازی و فارابی یکی از چهار دانشمند ایرانی بود که آثارشان در همان قرون وسطی به زبان لاتینی ترجمه شد و دیر زمانی در دانشگاه‌های جهان غرب تدریس گردید، مولف قریب هفتاد اثر معروف در علوم دین و اصول و کلام و حدیث و اخلاق و منطق و تصوف است. و مقام عمی وی چنان بود که در ۳۴ سالگی به استادی مدرسه معروف نظامیه بغداد خوانده شد، و اتفاقا صابون اتهام زندقه و الحاد به جامه او هم خورد.

بر چنین مبنائی، شاید به اشکال باور کنید که اراجیفی که در صفحات بعد خواهید خواند، منتخباتی از مطالبی است که همین حجة الاسلام (عنوانی که برای اولین بار بطور مطلق باو داده شد)، وقتی که از قالب شخصیت علمی خود بیرون آمده و بقالب آخوند رفته است، در کتاب معروف "کیمیای سعادت" که از آثار فارسی او است، آنها را "احکام و مقررات ابدی الهی" معرفی کرده، منتها چون شیعه نبوده، آنها را میان امامان تقسیم نکرده و همه را تنها از خود پیامبر دانسته است.

* * *

باید که اگر در صحرا بود از چشم خلق دور شود، و اگر تواند در پس دیواری شود. و عورت پیش از نشستن برهنه نکند. و روی سوی آفتاب و ماه نکند. و قبله را باز پس پشت نگذارد. و روی فرا قبله نکند، مگر دیواری باشد. لیکن اولی‌تر آن بود که قبله بر چپ یا راست او بود. در آب ایستاده بول نکند. در

زیر درخت میوه‌دار غایط نکنند. در هیچ سوراخ غایط و بول نکنند. در برابر باد و بر زمین سخت بول نکنند. و بر سر پای ایستاده بول نکنند، الا به عذری. و در نشستن برای بول و غایط میل بر پای چپ کند و چون برون آید پای راستش فرمایش دارد. و سر برهنه به قضای حاجت نرود. و چون درون دار الخلاء شود، بگوید: اعوذ بالله من الرجس النجس الخبیث المخبث الشیطان الرجیم (پناه به خدا از پلیدی شیطان رجیم). و چون بیرون آید بگوید: الحمد لله الذی اذهب غنی مایوذینی و ابقی علی ماینفعنی (خدا را شکر که آنچه مرا آزار می‌کرد، از من دور کرد. و آنچه سودمند است، برای بر جای گذاشت).

* * *

و باید که سه سنگ کلوخ راست کرده دارد پیش از قضای حاجت. و چون فارغ شود به دست چپ فرا گیرد، و بر جایی نهد که پلید نباشد. آنگاه براند تا به موضع نجاست. و آنجا برگرداند و نجاست بر باید چنانکه فراتر نبرد نجاست را. این چنین سه سنگ به کار دارد. اگر پاك نشود، دو دیگر به کار دارد که بهر صورت عدد طاق بود! آنگه سنگ بزرگتر به دست راست بگیرد و قضیب به دست چپ فرا گیرد. و بر آن سنگ فراز آورد سه بار، یا به دیوار فراز آورد به سه جای، و دست چپ جنباند نه دست راست.

و چون بول کرده باشد، سه بار دست به زیر قضیب فرود آورد، و سه بار آنرا بفشارد و سه گام فرارود، و سه بار تتحنج^۱ کند، و بیش از این خویشتن را رنجه ندارد که وسواس به وی راه یابد. و اگر این بکرده باشد آب بر زیر جامه خود زند تا با خویشتن گوید که تری از آب است! که رسول صلی الله علیه و آله بدین فرموده است از برای وسواس را.

و اگر کسی را در میان قضای حاجت عطسه آید، به دل الحمد لله رب العالمین بیاید گفت. و ابراهیم نخعی گفته است: اگر به زبان گوید نیز باکی نباشد.

* * *

- بدان که هر جانوری که خدای تعالی آفریده است، همه پاك است مگر سگ و خوك. و هر جانور که بمیرد، پلید است مگر آدمی و ماهی و ملخ... و

۱- صدائی شبیه سرفه، که مومنین در مستراح می‌کنند.

نیز هر چه وی را در تن، خون روان نیست، چون مگس و زنبور و کژدم و کرم که در طعام افتد. و هر چه در باطن جانوران مستحیل گردیده شود، پلید است مگر منی و خایه مرغ و کرم ابریشم.

* * *

- پس هر که در گرمابه شود چهار چیز بر وی واجب آید و ده چیز

سنت:

دو واجب در عورت خود: که از ناف تا زانو از چشمها پوشیده دارد، و از دست قائم^۱ نیز نگاه دارد که بسودن از دیدن نکوتر است. و دو واجب در عورت دیگران: که چشم خویش نگاه دارد. و اگر کسی عورت برهنه کند، بر وی حسب کند. که هر که این نکند از گرمابه عاصی بیرون آید.

و نهی آمده است نان را به گرمابه خوردن.

و چون در گرمابه شود سلام نکند. و اگر کسی سلام کند جواب دهد: "عافاك الله". و سخن بسیار نگوید. و اگر قرآن خواند، آهسته خواند. و اگر از شیطان استعادت کند، به آواز روا باشد. و وقت نماز شام، از فرو شدن آفتاب و میان نماز شام و خفتن به گرمابه نشود. که این وقت انتشار شیطان بود. و چون در خزانه گرم شود، از آتش دوزخ یاد کند. و یکساعت یا زیادت بنشیند تا بداند که زندان دوزخ چون خواهد بود... و اگر ماری ببند از مارهای دوزخ یاد کند! و اگر صورتی سهمناک ببند، از منکر و نکیر و از زباینه دوزخ یاد کند. و اگر آوازهای صعب شنود، از نفخه صور یاد آورد. و سنتهای شرعی این است.

و هر ماه يك بار اسك^۲ به کار داشتن سودمند بود. و چون بیرون خواهد آمد، اگر آب سرد بر پای ریزد، از نقرس ایمن بود، و درد سر نخیزد. و آب سرد بر سر نریزد.

و از منکرات گرمابه این بود که ران در پیش قایم نهد برهنه تا بمالد. و صورت حیوان بر دیوار گرمابه منکر است. و واجب است تباہ کردن آن یا بیرون آمدن.

اما جنس دیگر، پاکی است که فضلات تن و آن هفت است:

۱- کارگر حمام.

۲- واجبی.

اول- موی سر است. و ستردن آن اولی‌تر و به پاکی نزدیکتر، مگر اهل شرف را^۱. و اما بعضی ستردن و هرجای مویی پراکنده بگذاشتن، کراهت و نهی آمده است از آن. دوم- موی سبلت یا لب، راست داشتن سنت است، و فرو گذاشتن آن نهی است.

سوم- موی زیر بغل، به هر چهل روز برکندن آن سنت است. چهارم- موی عورت است. و ازالت آن به آهک یا به ستردن سنت است. و باید که از چهل روز تاخیر نکند.

پنجم- ناخن باز کردن است. اندر خبر است که ناخن چون دراز شود، نشستگاه شیطان بود. و باید که در باز کردن، ابتدا بدان انگشت کند که فاضل‌تر است - و دست از پای فاضل‌تر، و راست از چپ فاضل‌تر، و آن انگشت که اشارت شهادت به وی بود فاضل‌تر-. پس ابتدا بدان کند، آنگاه از جانب راست وی شود تا دوباره به وی رسد. و هر دو دست روی در روی چون حلقه تقدیر. ششم- ناف باز بریدن است. و آن به وقت ولادت باشد. هفتم- ختنه کردن است، مرد و زن را.

* * *

- اما آداب آنچه پیش از طعام است: آنکه طعام بر سفره نهد نه بر خوان - که حضرت رسول صلی الله علیه و آله چنین کرده است- و آنکه نیکو بنشیند، یعنی زانوی راست برآرد و بر ساق چپ نشیند. و تکیه‌زده نخورده که رسول صلی الله علیه گفت "من تکیه‌زده طعام نخورم". و آنکه دست به طعام نبرد تا کسی حاضر نیاید که با وی طعام خورد-که تنها خوردن روا نباشد- و انس رضی الله عنه گوید که پیغامبر صلی الله علیه و آله هرگز طعام تنها نخوردی. - و اما آداب وقت خوردن آن است که: به اول بسم الله بگوید و به آخر الحمد لله. و نیکوتر آن است که به اول لقمه بسم الله گوید، و به دوم لقمه بسم الله الرحمن، و به سیم لقمه بسم الله الرحمن الرحیم. و این به آواز بلند گوید... و باید که به دست راست خورد. و ابتدا به نمک کند، و ختم نیز به نمک کند-که این در

۱- اشاره به شریفان و علویان که خود را از فرزندان پیامبر می‌دانستند و شعارشان گیسوی بلند بود.

خبر آمده است- و از میانه کاسه ترید^۱ نخورد و از جوانب خورد. و از میان نان نخورد، بلکه از کناره برگیرد. و نان به کارد پاره نکند و گوشت همچنین... و چون لقمه‌ای یا طعامی دیگر از دست بیفتد، برگیرد و پاك کند و بخورد، که در خبر است که اگر بگذارد شیطان را گذاشه باشد... و نخست انگشت بلیسد به دهان، آنگاه در ازاری مالد. و در طعام گرم نفخ نکند، بلکه صبر کند تا خود سرد شود.

- و چون خرما خورد یا زردآلو یا چیزی که شمردنی باشد، طاق خورد- یعنی هفت یا یازده یا بیست و یک- تا همه کارهای وی با حق تعالی مناسبت گیرد. که وی طاق است و او را جفت نیست. پس طاق از جفت اولی‌تر بدین سبب که با وی مناسبت دارد.

اما پس از طعام باید که انگشت به دهان پاك کند، آنگه به دستار خوان. و نان ریزه‌ها برچیند که آن در جنت کابین حورالعین گردد... و کاسه پاك کند به دو انگشت. و در خبر است که هر که کاسه پاك بلیسد، کاسه گوید: "یارب، تو او را از آتش آزاد کن، چنان که او مرا از دست دیوان آزاد کرد!" و اگر بشوید و آب آن بخورد، همچنان باشد که بنده‌ای آزاد کرده بود.

* * *

- اما آداب آب خوردن آن است که کوزه به دست راست گیرد. و بسم الله گوید. و پیوسته و باریک درکشد. و بر پای نخورد. و خفته نخورد. و اگر يك راه پیش خواهد خورد، به سه بار خورد، و هر باری بسم الله بگوید و به آخر الحمد لله.

و چون بعد از طعام دست در طشت بشوید، آب دهان در پیش مردم در طشت نیفکند. و باید که جمله اهل طعام دست در يك طشت بشویند. و برای هر کس آبی جدا نریزند که این هم عادت عجم است، و اگر به جمع دست بیکبار شویند اولی‌تر است.

و جمله این آداب در اخبار و آثار آمده است. و فرق میان آدمی و بهائم بدین آداب پیدا آید!

* * *

۱- آبگوشت.

- محاسن^۱ که دراز شود، روا باشد که مقدار يك قبضه بگذارد و دیگر فرا برد^۲ و ابن عمر رضی الله عنه و جماعتی از تابعین چنین کرده‌اند. و بدان که در محاسن ده چیز کراهیت است:

اول- خضاب سیاه کردن. که در خبر آمده است که این خضاب مال اهل دوزخ است، و خضاب کافران است. و اول کسی که این خضاب کرده است، فرعون بوده است. و ابن عباس رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول صلی الله علیه و آله گفت در آخرالزمان قومی باشند که به سیاهی خضاب کنند، و ایشان بوی بهشت نشنوند.

دوم- خضاب به سرخی و زردی است. و این اگر غازیان^۳ کنند تا کافران بیم آرند و بر ایشان دلیر نشوند، این سنت بود. و بدین غرض بعضی از علما نیر به سیاهی خضاب کرده‌اند. اما اگر این غرض نباشد، تلبیس بود و روا نباشد.

سوم- سپید کردن محاسن به گوگرد، تا پندارند که پیر شده است و حرمت وی بیش دارند و این حماقت بود. که انس مالک رضی الله عنه می‌گوید که رسول خدا صلی الله عنه فرمان یافت^۴ و برفت و در همه موی وی بیست موی سپید نبود.

چهارم- آنکه موی سپید از محاسن ببرد. و از پیری ننگ دارد و این از جهل بود.

پنجم- کندن موی به حکم هوس و سودا در ابتدای جوانی، تا بصورت بی‌ریشان نماید. و این از جهل باشد که خدایتعالی را فرشتگانند که گویند: پاك است آن خدای که مردان را به محاسن و زنان را به گیسو بیاراست!
ششم- محاسن را به ناخن پیراه گیرد^۵ بکردن -چون دم کبوتر- تا در چشم زنان نیکوتر نماید، و به وی رغبت بیش کنند.

۱- ریش.

۲- قیچی کند.

۳- سر بازار.

۴- وفات یافت.

۵- ناخن گیر.

هفتم- آنکه موی سر در محاسن افزایش، و زلف از بناگوش فرو گذارد، زیادت از آنکه عادت اهل اصلاح است.

هشتم- آنکه به چشم اعجاب در سیاهی یا در سپیدی محاسن نگرد، که حق تعالی این دوست ندارد.

نهم- آنکه به شانه کند برای چشم مردمان نه برای بجای آوردن سنت. دهم- آنکه بشولیده^۱ بگذارد برای اظهار زهد، تا مردمان پندارند که وی بدان نمی‌پردازد که موی بشانه کند. و این مقدار کفایت باشد در احکام طهارت تن.

* * *

علی-کرم الله وجهه- گوید: "هر که را درد شکم گیرد، از زن خویش چیزی بخواهد از کابین وی، و بدان انگبین بخرد و با آن باران بیامیزد و بخورد، شفا یابد، که خدای تعالی باران را مبارک خواند است و انگبین را شفا و کابین که زنان ببخشند هنی و مری، یعنی نوش و گوارنده. و چون این هر سه بهم آید ناچار شفا یابد".

و در جمله ادب بیمار آن است که گله نکند و جزع نکند. و ادب عیادت‌کننده آن است که چشم از درها که در سرای باشد نگاه دارد. و چون در سرای رسد، در به رفق بزند، و چون گویند "کیست؟" نگوید "منم"، ولیکن بگوید: "سبحان الله و الحمدلله!"

* * *

- اما شرایط نکاح پنج است:

اول- ولی است، که بی ولی نکاح درست نبود. و هر که ولی ندارد، ولی وی سلطان بود.

دوم- رضای زن، مگر آنکه دوشیزه بود. و اگر چنین بود چون پدر وی را بدهد یا پدر پدر، به رضای خود وی حاجت نباشد.

سوم- دو گواه عادل باید که حاضر بود. پس اگر دو مرد باشد مستور، که فسق ایشان مرد و زن را معلوم نباشد، نکاح درست بود.

۱- ژولیده.

چهارم- آنکه لفظ ایجاب و قبول بگویند... و سنت است که ولی بگوید فلان را به نکاح تو دادم به چندین کابین. و شوی وی گوید این نکاح را بدین کابین پذیرفتم. و اولی‌تر آن بود که زن را یکبار ببیند پیش از عقد نکاح. پنجم- آنکه زن به صفتی باشد که نکاح وی حلال بود. و قریب بیست صفت است که نکاح بدان حرام شود.

و بهتر آنکه زن دوشیزه بود که به الفت نزدیکتر بود. و آنکه شوهری دیده باشد بیشتر آن بود که دل وی با وی نگران بود. جابر رضی الله عنه زنی خواسته بود ثبیه^۱، رسول صلی الله علیه و آله گفت: چرا بکر نخواستی تا وی با تو بازی کردی و تو با وی بازی کردی؟ و باید که شوهر مزاح بازی با زن خود بدان حد نرساند که هیبتش به خطر افتد! و با او در هوای باطل مساعدت نکند، که خداوند فرمود: "الرجال قوامون على النساء". پس همیشه باید که مرد بر زن مستولی باشد. و رسول صلی الله علیه و آله گفت: "تعس عبد الزوجه"، نگویند کسی است که بنده زن باشد، چه زن باید که بنده مرد باشد و گفته‌اند که "با زنان مشاورت باید کرد و خلاف باید کرد به آنچه گویند".

و شوی را باید که زن را از هر چه ممکن بود که از آن آفت برخیزد، باز دارد. و تا تواند او را بیرون نگذارد و فرا بام و در نگذارد. و نگذارد که هیچ نامحرم وی را ببیند، و نگذارد که وی نیز هیچ نامحرمی را ببیند. و نگذارد که به روزن و دریچه‌ها به نظاره مردان شود، که همه آفتها از چشم خیزد و از درون خانه نخیزد، بلکه از روزن و پالکانه و در و بام خیزد.

و رسول صلی الله علیه و آله، فاطمه رضی الله عنه را گفت "زنان را چه بهتر؟" گفت: "آنکه هیچ مردی ایشان را نبیند و ایشان هیچ مردی را نبینند". رسول صلی الله علیه و آله را خوش آمد.

... و معاذ، زن خویش را بزد، که به روزن نگریسته بود. و زن را دید که پاره‌ای از سیبی را بخورد و باقی را فرا غلام داد. پس باز وی را بزد... و عمر رضی الله عنه گفت "زنان را جامه نیکو مکنید تا درخانه بنشینند، که چون جامه نیکو کنند، آرزوی بیرون شدن پدید آید".

- ادب دیگر آنکه هر چه زن را از علم دین، در کار نماز و طهارت و حیض و غیره آن به کار آید، باید که در ایشان آموزد... و این مقدار باید بیاموزد که چون پیش از آفتاب فرو شدن حیض منقطع شد، نماز پیشین و نماز دیگر قضا باید کرد. و چون پیش آفتاب برآمدن منقطع شد، نماز شام و خفتن قضا باید کردن و بیشتر زنان این ندانند.

- ادب دیگر آنکه چون زن نافرمانی کند و اطاعت شوهر ندارد، وی را به تلافی و رفق، به طاعت خواند. و اگر طاعت ندارد، شب بستر جدا کند و پشت به وی کند. اگر باز طاعت ندارد، سه شب بستر جدا کند. پس اگر سود ندارد، وی را بزند، اما نه چنان که جائی بشکند. و اگر در کار دین تقصیر کند روا بود که بر وی خشم گیرد ماهی، که رسول صلی الله علیه و آله ماهی با جمله زنان خود خشم گرفت.

- ادب دیگر در صحبت کردن^۱ است. باید که چنین خواهد، روی از قبله برگرداند. و در ابتدا به حدیث و بازی و قنبله و معانقه دل وی خوش کند، که رسول صلی الله علیه و آله گفته است که "مرد نباید که بر زن افتد چون ستور، و باید که این کار را رسولی باشد". گفتند "آن رسول چیست؟" گفت: "بوسه".

- پس چون بر فرج زن خود دخول کند، بگوید: "بسم الله العلی العظیم! الله اکبر! الله اکبر! الله اکبر!" و اگر قل هو الله احد بخواند پیشین، نکوتر باشد... و در وقت انزال بگوید "الحمد لله الذی خلق من الماء بشرا وجعله نسبا وصهرا!" و آنگاه چون انزال کرد، صبر کند تا زن را نیز انزال افتد، که این را رسول صلی الله علیه و آله گفته است.

و از علی کرم الله وجهه و ابوهریره روایت کرده‌اند که مجامعت در شب پیشین ماه و در شب بازپسین و در شب نیمه ماه کراهیت است، که شیاطین اندرین، شبها حاضر آیند به وقت جماع.

و رسول صلی الله علیه و آله گفت: "هر که يك دختر دارد، وی رنجور است. و هر که دو دختر دارد، گرانبار است. و هر که سه دختر دارد، ای مسلمانان وی را یاری دهید که وی با من در بهشت همچون دو انگشت خواهد بود"، یعنی نزدیک.

۱- مجامعت.

- و اما حق مرد بر زن بس عظیم است، که زن به حقیقت بنده مرد است. و در خبر است که اگر سجود کردن جز خدا را روا بودی، زنان را امر به سجود کردند در پیش مردان.

و حق مرد بر زن آنست که زن در خانه بنشیند، و بی‌دستور وی بیرون نشود، و فرا در و بام نشود، و با همسایگان مخالفت و حدیث نکند، و بی‌ضرورتی به نزدیک ایشان نشود، و در همه کارها مراد شوهر طلبد، و از جمله آشنایان شوهر خویش را پوشیده دارد تا وی را باز ندانند، و بر شوهر بدانچه بود قناعت کند، و زیادتی طلب نکند... که رسول صلی الله علیه و آله می‌گوید "در دوزخ نگریستم، بیشتر زنان را یافتم. گفتم چرا چنین است؟ گفتند از آن سبب که بر شوهران و با شوهر ناسپاسی کنند."

انس رضی الله عنه گوید که رسول صلی الله علیه گفت: "پسری را که هفت روزه شد، عقیقه کنید و نام نیکو بنهید و پاکیزه کنید. و چون شش ساله شد، ادب کنید. و چون هفت ساله شد، به نماز فرمائید. و چون نه ساله شد، بسترش را جدا کنید. و چون ده ساله شد، بسبب نماز بزنید. و چون شانزده ساله شد، پدر وی را زن دهد و دست وی بگیرد و گوید: "ادبت کردم، و قرآن بیاموختم، و زن دادم، و به خدای تعالی پناه می‌برم از فتنه تو در دنیا و از عذاب تو در آخرت!"

* * *

- رسول صلی الله علیه و آله گفت: "خدایتعالی وحی فرستاد به فرشته‌ای که فلان شهر را زیر و رو کن." گفت: "بار خدایا! با فلان کس که يك طرفة‌العین معصیت نکرده است و در آنجاست، چه کنم؟" گفت "او را بکش، که هر گز روی ترش نکرد بر معصیت دیگران!"

و عایشه رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول صلی الله علیه گفت: "خدای اهل شهری را جمله عذاب فرستاد که در وی هیجده هزار مرد بود که عمل ایشان همچون عمل پیغمبران بود." گفتند: چرا یا رسول الله؟ گفت: "برای آنکه بر دیگران، برای خدای تعالی خشم نگرقتند و حسبت نکردند."

و در خبر است که حق تعالی وحی فرستاد به یوشع بن نون علیه‌السلام که "صد هزار مرد از قوم تو هلاک خواهم کرد. چهل هزار از نیکمردان و

شصت هزار از بد مردان". گفت: "بار خدایا، نیکمردان را چرا هلاک کنی؟" گفت: "از آنکه با دیگران دشمنی نکردند، و از خوردن و خاستن و معاملات کردن با ایشان حذر نکردند."

* * *

- رسول صلی الله علیه و آله گفت: خدای تعالی وعده داده است که هر سالی ششصد هزار بنده کعبه را زیارت کند به حج - و اگر کمتر از این باشند، از ملائکه چندان بفرستد که این عدد تمام شود- و این ملائکه کعبه را حشر کنند چون عروسی. و هر که حج کرده باشد، گرد وی همی گردند و دست در پرده‌های وی زنند تا آنگاه که او در بهشت شود و ایشان نیز با وی در بهشت شوند.

و چون حج کند، باید که موی نسترد. و ناخن باز نکند. و جماع نکند. و اگر کند، اشتری یا گاوی یا هفت گوسفند واجب آید. و مقدمات مباشری چون برماسیدن^۱ زن و بوسه دادن نشاید که اندر وی گوسفندی واجب آید، و در استمناء همچنین.

* * *

- علما را خلاف است در سماع، که حلال است یا حرام - و هر که آن را حرام بکرده است از اهل ظاهر بوده است... و روا نباشد که سماع حرام باشد، بدان سبب که خوش است، که خوشی‌ها حرام نیست. و آنچه از خوشی‌ها حرام است نه از آن حرام است که خوش است، بلکه از آن حرام است که در وی ضرری باشد و فساد.

... و عایشه روایت می‌کند که "دو کنیزك نزدیک من دف می‌زدند و سرود می‌گفتند، به روز عید. رسول صلی الله علیه و آله در آمد و بر بستر بخت. و روی از دیگر جانب کرد. ابوبکر رضی الله عنه در آمد و ایشان را باز داشت. و گفت: "در خانه رسول و مزمار شیطان؟" رسول گفت "یا ابابکر، دست از ایشان بدار، که روز عید است". پس دف زدن و سرود گفتن از این خبر معلوم شد که مباح است.

اما سماع به پنج سبب حرام شود، و باید که از آن حذر کنند:

۱ - مالش دادن.

سبب اول- آنکه از زنی شنود، یا از کودکی که در محل شهوت باشد. اما سماع از کودکی که در محل فتنه نباشد، مباح است، و از زنی که زشت بود مباح نیست.

سبب دوم- آنکه با سرود رباب و چنگ و بربط و چیزی از روده‌ها باشد. که از روده‌ها نهی آمده است، نه به سبب آنکه خوش بود، لیکن به سبب آنکه این عادت شرابخوارگان است. اما طبل و شاهین و دف-اگر چه در وی جلاجل بود- حرام نیست، که اندر این خیر نیامده است. و این چون روده‌ها نیست، که این نه شعار شرابخوارگان است بلکه دف خود زده‌اند در پیش رسول صلی الله علیه، و فرموده است زدن آنرا در عروسی. و طبل حاجیان و غازیان را خود رسم است زدن. اما طبل مختشان حرام بود، که آن شعار ایشان است. و آن طبلی دراز بود، میان باریک و دو سر پهن.

اما شاهین اگر به سر فرو بود و اگر به بر فرو بود حرام نیست. و شافعی رضی الله عنه می‌گوید: دلیل بر آنکه شاهین حلال است آن است که آواز شاهین به گوش رسول صلی الله علیه آمد، انگشت در گوش کرد، و این عمر را گفت: "گوش دار و چون دست بدارد، مرا خبر ده". پس این عمر را رخصت داد تا گوش دارد. و این دلیل آن است که مباح است. اما انگشت در گوش کردن رسول صلی الله علیه، دلیل آن است که وی را در آنوقت حالتی بوده باشد شریف و بزرگوار، که دانسته باشد که آن آواز وی را مشغول بکند.

سبب سوم- آنکه اندر سرود صفتی باشد از آن زنان معروف، که زنان را وصف کردن پیش مردان روا نباشد، که این همه شعرها گفتن و شنیدن حرام باشد.

سبب چهارم- آنکه شنونده جوان باشد و شهوت بر وی غالب بود. و چون حدیث زلف و خال و صورت نیکو شنود، شیطان پای به گردن وی در آورد و شهوت را در وی بجنباند و عشق نیکویان را در دل وی آراسته گرداند.

سبب پنجم- آنکه عوام، سماع به عادت کنند به طریق عشرت و بازی. و این مباح باشد، و لکن بشرط آنکه پیشه نگیرند و بر آن مواظبت نکنند. چنانکه مزاح کردن گاه گاه مباح است، ولیکن اگر کسی به عادت گیرد، مسخره باشد و نشاید... آورده‌اند که جوانی در صحبت جنید رضی الله عنه بود. چون سماع

بشنیدی بانگ کردی. جنید گفت: "اگر جنین کنی در صحبت من نباشی". پس
وی صبر همی کرد، به جهدی عظیم. تا يك روز چندان خویشتن نگاه داشت که
طاقتش نماند، به آخر بانگ بکرد و شکمش بشکافت و بمرد!

فهرست مراجع

متون

قرآن کریم: با ترجمه نوبت اول از کشف الاسرار میبیدی، از روی متن مصحح استاد علی اصغر حکمت، نشریه کتابفروشی ابن‌سینا، تهران، سال ۱۳۵۱.

تفصیل الایات القرآن الحکیم: با ترجمه فارسی آیات از حاج شیخ مهدی الهی قمشه‌ای، استاد دانشگاه تهران، نشریه کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۴۴.

قرآن مجید: بضمیمه کلمات، ترجمه فارسی محمد کاظم معزی، بکوشش محمد رامیار، نشریه اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان اروپا و انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا، سال ۱۳۵۹.

نهج‌الفصاحه: مجموعه سخنان حضرت محمد، گردآوری شده از کتابهای: اصول اربعه، صحاح سته، الجامع الصغیر، اعیان الشیعه، تیسیر الوصول، کنوز الحقایق، کمال النصیحه، البیان و التبیان، عقدالفرید، ربیع الابرار، توسط ابوالقاسم پاینده، تهران، ۱۳۳۷.

نهج‌البلاغه: خطبه‌ها و نامه و سخنان کوتاه امیرالمومنین علیه‌السلام، ترجمه و شرح توسط حاجی سید علینقی فیض الاسلام، نشریه موسسه ائین مهر، تهران، ۱۳۷۱ هجری قمری.

سخنان علی: از نهج‌البلاغه، ترجمه جواد فاضل، نشریه موسسه مطبوعاتی علمی، چاپ دهم، تهران، ۱۳۴۵.

اصول کافی: تالیف ثقة‌الاسلام ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق الكلینی الرازی، با ترجمه و شرح توسط حاج سید جواد مصطفوی، نشریه مرکز انتشارات علمیة اسلامیة، تهران، ۱۳۴۹.

الروضة من الكافي: تأليف ثقة الاسلام ابي جعفر محمد بن يعقوب بن اسحق الكليني الرازي، با ترجمه و شرح توسط حاج سيد هاشم رسولي محلاتي، نشریه مركز انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، ۱۳۵۰.

من لا يحضره الفقيه: تأليف ابو جعفر محمد بن علي ابن بابويه القمي، شيخ صدوق، به تصحيح محمود بن جعفر موسوي زرندي، تهران، ۱۳۷۶ هجري قمری.

تهذيب الاحكام: تأليف ابو جعفر شيخ محمد بن الحسن الشيخ الطوسي، چاپ نجف، سالهای ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۲ هجري قمری.

النكت الاعتقاديہ: تأليف ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان، شيخ مفيد، ترجمه محمد تقی دانش پژوه، تهران، ۱۳۲۵.

الامالی: تأليف ابو جعفر شيخ محمد بن الحسين الشيخ الطوسي، چاپ قم، ۱۳۷۳ هجري قمری.

خصال: تأليف ابو جعفر محمد بن علي بن بابويه القمي، شيخ صدوق، ترجمه شيخ محمد باقر بن شيخ احمد كمره خميني، تهران، ۱۳۳۵.

اعتقادات: تأليف شيخ صدوق ابو جعفر ابن بابويه القمي، ترجمه سيد محمد علي بن محمد حسني قلعه كهنه‌ای، چاپ سوم، تهران، ۱۳۳۲.

ثواب الاعمال: تأليف ابو جعفر محمد بن علي ابن بابويه، چاپ تهران، ۱۳۷۵ هجري قمری.

فضائل الشيعه، تأليف شيخ ابي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه، چاپ نجف، ۱۳۷۵ هجري قمری.